

فصلنامه اندیشه‌های مدیریت آب ایران
سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

گفت

آب



در آمدی بر حقوق نوین آب

کندو کاوی در مفهوم حقوق آب در گفتمان حکمرانی آب

باید و نبایدها
از نگاه یک حقوقدان

معرفی دو کتاب

نگاهی به روندهای جدید
در قوانین مدیریت منابع آب



انديشكده تدبير آب ايران
اتاق بازرگاني، صنايع، معادن و كشاورزي، كرمان

فصلنامه گفت و گوی آب

سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

« صاحب امتیاز: اندیشکده تدبیر آب ایران

« سردبیر: سید احمد علوی

« همکاران این شماره (به ترتیب حروف الفبا): مهدی آگاه،

محمد ارشدی، حمید پشتوان، احسان توکلی نبوی
بهرام سامی کشکولی، سعید سلیمانیه، حمید فیضی، غلامرضا مدنیان.

« مدیر اجرایی نشریه: محمد ارشدی

« طراحی و صفحه آرایی: محمود نقوی

« آدرس دفتر تهران: خیابان استاد نجات‌الهی شمالی، بالاتر از
بیمارستان جامع زنان، پلاک ۲۱۲، واحد چهارم. کدپستی ۵۱۷۳۳۸۷۹۵۱.

« تلفن تماس: ۰۸۸۹۴۷۳۰۰-۰۸۸۹۴۷۴۰۰-۰۲۱

www.iwpri.ir

کلیه حقوق این نشریه محفوظ و

متعلق به اندیشکده تدبیر آب ایران می باشد.

مسئولیت محتوای مقالات بر عهده نویسنده می باشد.

اندیشکده تدبیر آب ایران از آبان ماه، سال ۱۳۹۱، به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های کمیسیون کشاورزی و آب اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی کرمان به منظور توسعه ظرفیت‌ها و ایجاد فضای تعامل و گفتگو میان ارکان مختلف جامعه، محیط کسب و کار و تشکیلات بخشی و فرابخشی مدیریت آب در کشور در مسیر بهبود حکمرانی آب، تأسیس گردیده است.

سخن سردبیر / قانون آب: قواعد بازی ۳

حقوق و قوانین نوین آب

- کند و کاوی در مفهوم حقوق آب در گفتمان حکمرانی آب / ۵
- منابع آب: خصوصی، عمومی یا مشترک همگانی؟ / ۸
- نگاهی به روندهای جدید در قوانین مدیریت منابع آب / ۱۱

مصاحب‌ها

- باید و نبایدها از نگاه یک حقوقدان / ۱۷
- نقدی دردمندانه بر قوانین آب کشور / ۲۳

اندیشکده‌ها و رویدادهای منتخب

- معرفی شورای جهانی آب / ۲۷
- از بازار کتاب چه خبر؟ (معرفی دو کتاب) / ۲۹





سیداحمد علوی

عضو شورای راهبردی اندیشکده تدبیر آب ایران

سخن سردبیر

قانون آب: قواعد بازی

گفتمان حکمرانی آب مورد کند و کاو قرار می‌گیرد. سپس با توجه به اهمیت مالکیت آب و تاثیر آن بر دیگر حوزه‌های قانونی، به مالکیت آب در قوانین کشورهای مختلف نگاه‌یاجمالی خواهد شد. در نهایت روندهای مهم در اصلاح و تدوین قوانین جدید آب در جامعه بین‌المللی توصیف می‌شود.

وضعیت قوانین آب در کشور در قالب دو مصاحبه از نگاه یک مسئول دولتی و یک فعال بخش خصوصی بررسی و تحلیل می‌شود. مصاحبه اول با دکتر غلامرضا مدنیان، مدیر دفتر حقوقی شرکت مدیریت منابع آب ایران و مصاحبه دوم با آقای مهدی آگاه انجام شده است. در بخش اندیشکده‌ها و رویدادهای منتخب به ترتیب شورای جهانی آب، و نشست تعاملی شب آب خراسان معرفی شده‌اند. در پایان نیز دو کتاب جدید به زبان فارسی معرفی می‌شوند.

قانون، «ظرفیت حکمرانی آب» یک کشور را به وجود می‌آورند. در واقع سیاست آب، فلسفه و اهداف نهایی مدیریت آب و قانون، قواعد تحقق سیاست‌های عمومی را مشخص می‌کند. از این رو، چارچوب‌های قانونی و قانون‌مداری نقش مهمی در تقویت ظرفیت‌های حکمرانی دارند.

روشن است که منظور از قانون لزوماً تهیه و تدوین و تصویب قوانین جدید نبوده و اهمیت آن در وجود شرایط مناسب برای اجرای قانون و هماهنگی با شرع و عرف در جامعه تجلی می‌یابد. با پذیرش همگانی حاکمیت قانون، حداقل شرایط برای تامین بهتر پیش‌نیازهای تقویت مشارکت همگانی در حکمرانی آب فراهم می‌شود.

شماره پنجم فصلنامه گفت و گوی آب به موضوع حقوق و قانون آب اختصاص دارد. در بخش اول، در ابتدا مباحث بنیادی درباره حقوق آب، خصوصیات آن و جایگاه آن در

گفتمان جدید آب شکل‌گیری ساختاری حکمرانی موثر را متشکل از سه رکن سیاست، قانون و سازمان (تشکیلات و نهادهای) می‌داند. هر یک از این مؤلفه‌ها رابطه تنگاتنگی با پیشران‌ها و عوامل محیط پیرامونی خود مانند عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تکنولوژیکی و زیست‌محیطی دارند. مجموعه این سه رکن باید از تناسب، سازگاری و انسجام درونی برخوردار و با توجه به هنجارها و عرف جامعه شکل یافته باشند. هر کشوری در تکاپوی خود برای اصلاح و بهبود حکمرانی آب، در کنار اصلاح یا پی‌ریزی سیاست‌ها نیازمند اصلاح در چارچوب‌های قانونی و نهادی، متناسب با اقتضائات حکمرانی مؤثر است. فقدان چارچوب قانونی و سیاستی جامع، مانع ارتقای وضع موجود و پاسخ درخور به عوامل تاثیرگذار محیط پیرامونی خواهد بود. سیاست و قانون، در ترکیب با نهادهای پیاده‌سازی و ساز و کارهای اعمال

[حقوق و قوانین نوین آب]





احسان توکلی نبوی

پژوهشگر آب در دانشگاه ملی استرالیا

درآمدی بر حقوق نوین آب

کند و کاوی در مفهوم حقوق آب در گفتمان حکمرانی آب

گفتمان حکمرانی آب- به بیانی ساده یعنی نظام و ساختار تخصیص منابع آب به مصارف مختلف، و حفاظت کمی و کیفی منابع آب- بر نقش قانون آب، به ویژه قانون مبتنی بر «حقوق نوین آب» تأکید دارد. در واقع از نظر تئوری، دشوار می‌توان اهداف «حکمرانی خوب» را بدون وجود یک چارچوب قانونی متصور شد. در این چارچوب، حقوق آب (water rights) نقش مرکزی ایفا می‌کند، و نظام عملی حقوق نوین آب، یکی از ارکان حکمرانی به شمار می‌آید. در عمل، تمرکز کلیدی اصلاحات دهه‌های اخیر در قانون آب تقریباً در همه‌جای جهان، معرفی رسمی و صریح حقوق نوین آب بوده که تخصیص قاعده‌مند و استفاده پایدار منابع ارزشمند آب را امکان‌پذیر می‌کند. هدف نوشتار حاضر معرفی اجمالی مفهوم «حقوق آب» از منظر رویکردهای نوین در مدیریت آب است.

مقدمه

اهمیت حیاتی آب برای انسان آن چنان است که بیشتر جوامع و فرهنگ‌ها در صدد برقراری قواعد قانونی درباره استفاده و تخصیص آن برآمده‌اند. در گذشته حقوق قانونی استفاده از آب (حقوق آب) با حقوق مالکیت زمین پیوند داشته است.

به بیانی دیگر، چنین حقوقی به مالکان زمین با دسترسی مستقیم فیزیکی به یک نهر، رودخانه یا سایر منابع طبیعی آب اعطا شده است. در دهه‌های اخیر، عمدتاً متأثر از افزایش فشار بر منابع آب و همچنین عوامل دیگر، شماری از کشورها اصلاحات اساسی را در قانون آب صورت داده‌اند. تمرکز کلیدی چنین اصلاحاتی معمولاً معرفی رسمی و صریح حقوق نوین آب بوده است.

حقوق آب چیست؟

پاسخ به این پرسش از این رو دشوار است که هیچ تعریف مقبول جهانی درباره آن وجود ندارد. در واقع اصطلاح «حقوق آب» برای معنادادن به امور بسیار متفاوتی استفاده می‌شود. دلیل این امر را باید در تفاوت استنباط از آب و حقوق آب در کشورهای مختلف جستجو کرد. قانون آب، و بنابراین حقوق آب، بازتاب استنباط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از آب است. نوع استنباط نیز متأثر از عوامل جغرافیایی، اقلیمی و نوسان موجودی منابع آب و نیز مصارف آب شکل می‌گیرد. برای نمونه در اقلیم‌های معتدل‌تر، مصارف عمده آب ممکن است کشتی‌رانی، برق‌آبی و تفریحی باشد. بنابراین، تصور عمومی از آب غالباً روی موضوع سیل و ریسک‌های

آن، به ویژه در نواحی پست متمرکز می‌شود. در اقلیم‌های خشک‌تر که آبیاری یک ضرورت به شمار می‌آید، دغدغه عمومی متوجه موضوعاتی مانند کمیابی آب و میزان بارندگی است. از این رو در بحث حقوق آب باید توجه داشت که هر کشوری با مسائل آبی خاص خود روبرو است. آنچه در یک کشور درباره استفاده و تنظیم آب، امری عادی و معقول است ممکن است در جای دیگر کاملاً بیگانه به نظر برسد یا حتی غیرعقلایی باشد. این گفته برای حقوق آب نیز مصداق دارد.

علاوه بر این، به دلیل پیچیدگی‌های دینامیک جنبه‌های کمی و کیفی چرخه آب، دخالت‌های انسان در این چرخه و شرایط مختلف تاریخی، اجتماعی، اکولوژیکی، اقتصادی و سیاسی که بر

استفاده از منابع آب تأثیر می‌گذارند، پیچیدگی قانون آب و قواعد حاکم بر حقوق آب را پیچیده‌تر می‌کند. به بیانی ساده و با توجه به آنچه در بالا گفته شد، می‌توان این تعریف را از حقوق آب ارائه کرد: «حق قانونی برای برداشت و استفاده از کمیت مشخص آب از یک منبع طبیعی مانند رودخانه، نهر یا آبخوان.» با این همه، حقوق آب فراتر از استحقاق قانونی برای صرفاً یک ترکیب شیمیایی ساده به نام آب است: جریان آب نیز مؤلفه مهمی از حق آب (water right) است. در نتیجه، حق آب ممکن است حق قانونی را برای انباشت یا ذخیره مقدار مشخصی آب از یک منبع طبیعی را در پشت سد یا سازه‌های آبی دیگر اعطا کند. این کار ممکن است مقدمه برداشت، یا در مورد تولید برقابی، ممکن است به استفاده از آب در داخل آبراهه باشد. این نوع استفاده معمولاً به عنوان استفاده «غیر مصرفی» شناخته می‌شود.

علاوه بر این، فعالیت‌های دیگری نیز وجود دارند که به نوعی از آب و آبراهه استفاده می‌کنند. این قبیل فعالیت‌ها نیز معمولاً به عنوان بخشی از نظام حقوق آب، یا حداقل با هماهنگی نزدیک با آن کنترل می‌شوند. بنابراین با توجه به قواعد قانونی جاری در یک کشور، حق آب ممکن است برای موارد زیر لازم باشد:

- منحرف کردن، محدود کردن یا تغییر جریان آب یک آبراهه؛
- تغییر بستر، کرانه‌ها یا خصوصیات یک آبراهه، از جمله ساخت (و استفاده) از سازه‌ها در کرانه‌ها و اراضی همجوار شامل سازه‌هایی که به استفاده و مدیریت آب آبراهه مرتبط هستند.
- استخراج شن و دیگر مواد معدنی از آبراهه‌ها و اراضی مجاور آنها؛
- استفاده از پساب برای آبیاری؛
- ماهیگیری و فعالیت‌های آبی‌پروری؛
- کشتی‌رانی؛ و/یا
- تخلیه پسماندها یا آلاینده‌ها در آبراهه‌ها.

چرا در اعطای حق آب لازم است تا به فعالیت‌های مختلف توجه شود؟ دلیل این امر آن است که چنین فعالیت‌هایی

بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. برای نمونه، افرادی که آب را برای آبیاری یا مصرف شرب برداشت می‌کنند به آب نسبتاً سالم نیاز دارند، در حالیکه کیفیت آب برای مصرف‌کنندگان صنعتی می‌تواند کمتر باشد. در نتیجه، در صدور مجوز برای تخلیه پسماند یا فاضلاب در یک آبراهه ضروری است که به دیگر مصارف موجود آب نیز توجه شود. همچنین، مقدار آبی که برداشت می‌شود توانایی آبراهه را برای ترقیق و تجزیه پسماندها و فاضلاب تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین، برداشت آب، به ویژه در دوره‌های کم‌جریانی رودخانه، احتمالاً بر میزان مجاز تخلیه پسماندها و فاضلاب تأثیر می‌گذارد. حتی وقتی چنین فعالیت‌هایی غیر مصرفی هستند، هنوز هم بر سایر مصارف آب تأثیر می‌گذارند. برای نمونه، بهره‌برداری از سد برقابی در عمل ممکن است به برداشت آب از رودخانه منجر نشود، ولی رژیم بهره‌برداری سد بر جریان رودخانه در زمان‌های مختلف سال تأثیر خواهد گذاشت. بنابراین، درست مانند فعالیت‌های مختلفی که از آب استفاده می‌کنند و ممکن است تأثیر منفی روی کمیت، کیفیت و جریان آب در آبراهه یا آبخوان داشته باشند، حقوق قانونی حاکم بر این فعالیت‌ها نیز بر یکدیگر تأثیر خواهند داشت. حال که به اجمال توضیح داده شد حقوق آب چه اموری را قاعده‌مند می‌کند، پرسش بعدی این است که شأن و مقام حقوق آب چیست؟ مهم‌ترین نکته درباره حقوق آب آن است که حقوق قانونی محسوب می‌شوند. به بیانی دیگر حقوق آب، تالی نظام قانونی رسمی یک کشور ایجاد می‌شوند و بنابراین پیامدهای قانونی دارند. به ویژه، بر اساس آن می‌تواند علیه دولت و اشخاص ثالث مطالبه شوند. در مورد یک اختلاف، دارنده حق می‌تواند به طور مشروع انتظار داشته باشد که دادگاه از حق قانونی وی دفاع و پشتیبانی کند و در صورت لزوم از طریق قدرت آمرانه دولت اجرا شود. از دست دادن یا اضرار به حق آب، دلیل محکمه‌پسندی برای

دریافت جبران خسارت به شمار می‌آید و حق جبران خسارت در دادگاه‌ها قابل اجرا است.

نتیجه منطقی بحث بالا این است: فردی که دست به کار فعالیت است که نیازمند حق آب است، اما چنین حقی را دریافت نکرده است، دارنده حق یا دستگاه دولتی مسئول می‌تواند علیه وی اقامه دعوی کیفری/ اداری نمایند.

بحثی که تا اینجا ارائه شد، روی برداشت و استفاده آب از منابع طبیعی اعم از پیکره‌های آب سطحی یا آب زیرزمینی تمرکز داشت. با این همه مقوله دیگری از «حقوق آب» وجود دارد که به تأمین آب از طریق یک کانال برای کشاورزی آبی یا استفاده صنعتی مربوط می‌شود. تأمین آب از این طریق معمولاً بر پایه یک قرارداد مشخص یا تلویحی صورت می‌گیرد که به موجب آن، حق قانونی برای دریافت کمیت آب در یک زمان مشخص، معمولاً در قبال پرداخت هزینه اعطا می‌شود. این قبیل حقوق - استحقاق قانونی برای دریافت حجم مشخص آب - در واقع یک شکل از «حق آب» محسوب می‌شود. ولی روشن است که ماهیت کاملاً متفاوتی با آنچه در قسمت‌های قبل گفته شد دارد.

نکته دیگری که باید یادآوری شود آن است که حقوق آب بنا به توضیحاتی که در این نوشتار داده شد، ارتباطی با «حق بشر به آب» (right to water) ندارد.

«مأخذ:

Modern water rights, theory and practice, Stephen Hodgson. 2006, FAO





بهرام سامی کشکولی

پژوهشگر آب

➤ مالکیت آب در کشورهای مختلف

منابع آب:

خصوصی، عمومی یا مشترک همگانی؟

اهمیت آب در حیات، معاش، اقتصاد، سیاست و اجتماع بشر باعث شده است که در طول تاریخ و در نظام‌های مختلف اجتماعی جنبه‌های گوناگون آن مورد توجه باشد. با تشدید تقاضا و گذر از دوره فراوانی آب به دوره محدودیت کمی و کیفی آن، لزوم توجه به و دقت در جنبه‌های مختلف آن بارزتر می‌شود. یکی از جنبه‌های مهم آب، وضعیت قانونی و حقوقی آن است. به دلیل نقش آب در تمدن‌های بشری شاید بتوان قانون و مقررات مرتبط با آب را یکی از قدیمی‌ترین حیطه‌های قانون و قانونگذاری به شمار آورد. قانون آب، زمینه حقوقی است که به بررسی مالکیت، کنترل و بهره‌برداری از و مدیریت کمی و کیفی آب بعنوان یک منبع می‌پردازد. قانون آب مولفه‌ها و بحث‌های مختلف و متنوع مرتبط با آب را نظر دارد. در این میان حقوق و مالکیت آب یکی از مهم‌ترین، پیچیده‌ترین و در عین حال چالش برانگیزترین مباحث قانون آب به شمار می‌رود. سوالات متعددی در مورد مالکیت آب مطرح است از جمله این که چه نوع مالکیتی را باید برای آب به عنوان یک منبع طبیعی تعریف شود به طوری که منجر به ضایع شدن منبع نشود؟ مالکیت آب بر چه مولفه‌هایی از سیستم منابع آب تأثیر گذار است؟ مسائل و مشکلات موجود مدیریت آب کشور در کجاها با مسئله مالکیت آب ارتباط دارد؟ چه نوع مالکیتی بر آب با شرع و عرف هم‌آهنگ است؟ برای جواب دادن به این سوال و سوالاتی از این دست شایسته است که در کنار مباحث شرعی و عرفی موجود در هر جامعه، از قوانین آب کشورهای دیگر و نوع مالکیت آب در آن قوانین نیز آگاه شده و بدانیم دیگر جوامع چگونه به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند. از همین رو، در این نوشتار تلاش می‌شود بحث مالکیت آب در نظام‌های قانونی مختلف شامل نظام قوانین مدنی و نظام قوانین عرفی تشریح شود.^۱ اما پیش از پرداختن به این نظام‌های قانونی، به دلیل تأثیری که قانون آب در روم باستان بر نظام‌های قانونی مختلف داشته است، ابتدا نگاهی گذرا به مالکیت آب در قانون روم باستان خواهیم کرد.

« مالکیت آب در قوانین روم باستان

مالکیت آب در قوانین روم باستان علی‌رغم تغییراتی اندک در نتیجه تحولات سیاسی و گذار از دوران جمهوری گرای به امپراتوری، در طول حیات سیاسی روم باستان کلیت واحد خود را حفظ کرد و پس از آن نیز در شق‌های مختلف حقوقی بروز و ظهور متفاوت پیدا کرد. بر اساس قانون روم باستان، منابع آبی به سه دسته تقسیم می‌شدند:

۱- منابع آب مشترک همگانی: آب‌هایی که به دلیل شرایط خاص آنها موضوع هیچ‌گونه وضعیت مالکانه‌ای قرار نمی‌گرفتند و هیچ‌کس، اعم از اشخاص، جامعه یا حتی

دولت یا هیئت حاکم نمی‌توانستند مالک آب‌های مذکور شوند. مالکیت این آب‌ها به کل اجتماع تعلق داشت. کلیه آب‌های جاری در این دسته قرار می‌گرفتند.

۲- منابع آب عمومی: آب‌هایی که به عموم مردم، دولت‌شهرها و یا دیگر نهادهای عمومی تعلق داشته و استفاده از آن‌ها به نهادهای عمومی که از حق مشروعی نسبت به آنها برخوردار بودند، اختصاص داشت و نهادهای عمومی مالک می‌توانستند حق استفاده از آب را به مصرف‌کنندگان دیگر اعطا نمایند. مالکیت آب‌های عمومی برای همیشه و به صورت دائمی قابل انتقال نبود، اما بر اساس

امتيازات دولتی، امکان واگذاری حق استفاده از آنها وجود داشته است.

۳- منابع آب خصوصی: آب‌های تحت مالکیت خصوصی در این دسته قرار داشته‌اند. در روم باستان تنها بخش اندکی از منابع آب، خصوصی محسوب می‌شدند. کلیه آب‌های جاری که از ریزش باران در اراضی خصوصی تولید می‌شد، آب‌های زیرزمینی و واحدهای کوچک آبی خصوصی به حساب می‌آمدند. در روم باستان، آب به عنوان بخش لاینفکی از زمین قلمداد می‌شد و بنابراین مالکیت منابع آب خصوصی به واسطه مالکیت زمینی بود که آب‌های مذکور در آن قرار داشتند. این نوع

۱. یکی از نظام قانونی، رژیم قانونی منبعث از اسلام است که مالکیت آب در این رژیم قانونی در مقالاتی دیگر در شماره‌های قبل همین فصلنامه به آن پرداخته شده است. برای کسب اطلاعات در خصوص مالکیت آب در اسلام خوانندگان محترم می‌توانند به شماره‌های قبلی همین فصلنامه مراجعه فرمایند.



با ظهور و رواج معیارهای مرتبط با «مصلح عمومی» در جایگاه یک عنصر حقوقی مهم، گستره مالکیت خصوصی به شدت محدود شد. به طوری که برای مثال در قانون مصوب ۱۹۶۴ فرانسه از «آبهای خصوصی» سخنی به میان نیامده است و به جای آن از اصطلاح «آبهای عمومی غیر دولتی» نام برده شده است.

در نظام قوانین مدنی، مالکیت منابع آب زیرزمینی نسبتاً مبهم است. برای مثال، بر طبق ماده ۵۲۲ مجموعه قوانین فرانسه، «مالکیت زمین، شامل مالکیت هر چیزی که بالا و زیر آن قرار می‌گیرد، نیز می‌شود. مالک می‌تواند هر گونه دخل و تصرفی که می‌خواهد، انجام دهد و منابع موجود در ملک خود را استخراج کند...»، آب به عنوان متعلقات زمین محسوب می‌شود. البته بر طبق

استفاده از چنین منابعی است. آبهای قابل کشتیرانی و قایقرانی همچنین منابع آبی تامین‌کننده مصارف خانگی، کشاورزی یا صنعتی، در دسته این آبها قرار می‌گیرند. در ابتدا به جز آبهای جاری قابل کشتیرانی و قایقرانی و آبهای عام‌المنفعه که جزو آبهای عمومی محسوب می‌شدند، بقیه آبها در دسته آبهای خصوصی قرار می‌گرفتند. آب باران و آب چشمه‌های یکه در اراضی خصوصی قرار گرفته، مشروط به اینکه جزء آبهای جاری عمومی اعلام نشده باشند، خصوصی قلمداد می‌شد.

مالکیت به‌ویژه در مورد منابع آب زیرزمینی مصداق داشت. چون بر طبق یک قاعده کلی «مالک زمین از مالکیت آنچه که روی یا زیر ملک وی قرار دارد، برخوردار است.» پس از آن در گذر تاریخ، مفاهیم اصلی حقوق آب در قانون روم باستان به صور مختلف درآمد. در ادامه به موضوع مالکیت آب در دکترین‌های قانونی مشتق شده از رژیم قانونی روم باستان می‌پردازیم.

«مالکیت آب در نظام قوانین مدنی»

بر طبق نظام قوانین مدنی، منابع آب را می‌توان خصوصی یا عمومی تلقی کرد. منابع آب عمومی، منابعی هستند که متعلق به عموم مردم یا قلمرو ملی هستند و بهره‌برداری از آنها منوط به اخذ مجوز، تجویز قانونی یا اعطای امتیاز از جانب دولت است و آنچه اشخاص می‌توانند مدعی آن باشند، حق

این قانون، مالک زمین، فقط مالک آبی است که می‌تواند استخراج نماید ولی از هیچ‌گونه حق مالکیتی نسبت به سفره آب زیرزمینی برخوردار نیست.

در فرانسه، با تصویب قانون شماره ۹۲-۳ (۳ ژانویه ۱۹۹۲) کلیه منابع آب اعم از سطحی و زیرزمینی به عنوان «دارایی مشترک ملت» محسوب شده و حفاظت و مقرر گردید توسعه منابع مذکور منطبق با تعادل اکولوژیکی و به نفع عامه مردم باشد. بنابراین، تمایز میان آب‌های عمومی و خصوصی از میان رفت و فقط حق استفاده از منابع آب به رسمیت شناخته شد.

در کشورهای تابع نظام حقوق مدنی، اجازه مداخله در مدیریت آب و ایجاد نظام‌های صدور مجوز بهره‌برداری از منابع آبی به دولت داده شده و از این طریق تمایز میان مالکیت عمومی و خصوصی آب کمرنگ شده است و مالکیت‌ها و بهره‌برداری‌ها از منابع آب تحت نظارت قانون درآمده است.

«مالکیت آب در نظام قوانین عرفی»

بر طبق نظام قوانین عرفی، که «دکترین حقوق مالکان اراضی همجوار رودخانه» زیرمجموعه‌ای از آن است، هیچ‌گونه حق مالکیت بر آب‌های جاری نهرها، رودخانه‌ها یا کانال‌های طبیعی به رسمیت شناخته نمی‌شود. در این نظام قانونی، مالکان اراضی همجوار رودخانه، بدون لطمه به کیفیت آب، حق استفاده از جریان طبیعی آبی را که از کنار ملک آنها می‌گذرد، دارا هستند. مفهوم کهن «مالکیت همگانی و مشترک منابع آب» که در حقوق روم باستان وجود داشت، در نظام قوانین عرفی حفظ شده و آب‌های جاری به عنوان منابع آب مشترک همگانی یا مالی که هرکس می‌تواند مدعی حق دستیابی به آن شود، محسوب می‌گردد. مالکان اراضی همجوار

می‌توانند به شیوه معقول از آب استفاده کنند. فقط آبی که بر روی زمین مالک جمع می‌شود و آب حاصل از برف یا باران که در نهرها یا مخازن طبیعی یا مصنوعی جمع می‌شود، در زمانی که مالک، منابع آب مزبور را در تصرف دارد، می‌تواند در مالکیت خصوصی درآید. قاعده مشابهی درباره منابع آب زیرزمینی نیز اعمال می‌گردد؛ منابع آب مذکور از آن کسی است که آنها را استخراج می‌کند و در تصرف خود نگه می‌دارد. در نظام قوانین عرفی، فقط آراء محاکم، احکام اداری یا مقررات می‌توانند حق استفاده معقول از منابع آبی توسط مالکان اراضی همجوار را محدود نمایند.

در انگلستان، با ایجاد تغییراتی در نظام قوانین عرفی در سال ۱۹۶۳، کسب مجوز جهت برداشت آب برای مالکان اراضی همجوار آب الزامی شد. در استرالیا، اصول اولیه نظام قوانین عرفی مطابق با شرایط ناشی از کمبود آب و کمی جمعیت کشور اصلاح شد. مقررات مشروحه جهت تعمیم حق استفاده از آب به غیر مالکان تصویب گردید. در ۳۱ ایالت از ایالات متحده، به ویژه ایالات شرقی، نظریه «جریان طبیعی آب» که برگرفته از دکترین حقوق مالکان اراضی همجوار رودخانه است، پذیرفته شده است. البته دامنه آن، بر طبق دکترین «بهره‌برداری معقول» محدود گردیده است.

«مالکیت آب در قوانین اتحاد جماهیر شوروی سابق»

علی‌رغم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیستم قوانین آن تأثیر زیادی بر قوانین کشورهای تحت نفوذ شوروی، جمهوری‌های استقلال یافته، داشته است. مطابق ماده ۶ قانون اساسی شوروی، منابع آبی، مانند اراضی، زمین‌های کشاورزی و جنگل‌ها، جزو املاک

دولت یا اموال عموم مردم تعیین شده است. قانون آب، میان آب و منابع آبی تمایز قائل شده است. مطابق آن، آب ماده‌ای سیال و ناپایدار است و به همین دلیل نمی‌تواند موضوع مالکیت انحصاری دولت قرار گیرد، اما قابلیت آن را دارد که به واسطه فعالیت‌های قانونی از جمله تأمین آب آشامیدنی، از طریق شبکه‌های آب شهری به اشخاص و یا سازمان‌ها اختصاص داده شود. اما منابع آبی ذخایر طبیعی هستند که ثروت مهم و قابل توجهی را تشکیل می‌دهند. منابع آب شامل دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، مخازن، کانال‌ها، منابع آب زیرزمینی و آبخوان‌ها، یخچال‌های قطبی و کوهستانی و دیگر منابع و پیکره‌های آبی سطحی و زیرزمینی می‌شوند. در قوانین آب شوروی، منابع آب به سه دسته منابع آب سطحی، منابع آب زیرزمینی و یخچال‌های طبیعی تقسیم‌بندی شده‌اند. در اتحاد جماهیر شوروی، مصرف‌کنندگان آب شامل تعاونی‌های دولتی، موسسات عمومی، نهادها، سازمان‌ها و شهروندان می‌باشد. این نظام حقوقی میان مصارف عمومی و خصوصی، مصارف مشترک و انحصاری و مصارف دائمی و موقت آب، تمایز قائل شده است.

در قوانین جدید برخی از کشورهای استقلال یافته از جماهیر شوروی مانند لیتوانی و استونی، مفهوم مالکیت خصوصی رواج یافته و منابع آبی موجود در هر ملک خصوصی، متعلق به مالک قلمداد می‌شود. همچنین متعاقب تصویب مجموعه قوانین جدید آب، در روسیه نیز مفهوم مالکیت خصوصی احیا شده است. اما در بسیاری از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق، منابع آب همچنان بخشی از اموال عمومی به شمار می‌روند و در نتیجه، همچنان تحت کنترل دولتی قرار دارند.

جمع بندی

بررسی وضعیت قانونی آب مستلزم توجه ویژه به وضعیت مالکیت منابع آب است. مجموعه بررسی‌های انجام شده در بحث مالکیت آب در نظام‌های قوانین مختلف و سیر تاریخی این بحث نشان می‌دهد که با عبور از دوره فراوانی آب و ورود به دوره محدودیت آن و به دلیل افزایش مصرف و آلودگی آب و به منظور دستیابی به نظارت دولتی موفقیت‌آمیز برای جلوگیری از تخریب و ضایع شدن منابع آبی، گرایش روزافزونی برای ورود این منابع از حوزه خصوصی به حوزه عمومی به وجود آمده است. بدین ترتیب امروزه تقریباً در قوانین نوین آب در تمامی کشورها، این منبع جزو منابع عمومی محسوب می‌شود. در بسیار کشورها، به ویژه کشورهای تابع حقوق عرفی مفهوم مالکیت خصوصی نامرسوم است و کنترل کلیه منابع آب به دولت واگذار شده و تنها حق استفاده از آن قابل واگذاری است. اما هنوز در کشورهایی مالکیت آب در زمره مالکیت خصوصی و منابع آب مشترک همگانی نیز قرار دارند. وضعیت قانونی منابع آب عمومی

بیشتر در کشورهای تابع رژیم قانونی مدنی رواج دارد و منابع آب جزء اموال عمومی محسوب می‌شود و تحت نظارت و کنترل دولت می‌باشد. همچنین مفهوم مالکیت خصوصی منابع آب نیز که از مفهوم مالکیت زمینی که منبع آب در زیر یا سطح آن قرار دارد، اقتباس می‌شود، در برخی کشورها وجود دارد. این مفهوم ممکن است در روند دستیابی به مدیریت اصولی آب مشکلاتی ایجاد کند. اما، در نهایت منابع آب مشترک همگانی که تحت مالکیت مشترک اجتماع قرار دارند، در کشورهای تابع قانون عرفی، رواج دارد، نیز نوع دیگری از مالکیت آب است. به طور کلی سیر تبدیل مالکیت خصوصی به مالکیت عمومی اجتناب‌ناپذیر بوده و میان مالکیت آب و زمینی که زیر یا روی آن قرار دارد باید تمایز باشد. این تمایز به دلیل ماهیت سیال بودن آب و قابل حرکت بودن به مکان دیگر، قابل تعیین نبودن ویژگی‌های فیزیکی آن، تضمین و حمایت از منافع عمومی و الزامات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی منطقی به نظر می‌رسد.



حمید پشتوان

کارشناس اندیشکده تدبیر آب ایران

➤ مدیریت منابع آب در جامعه قانون

نگاهی به روندهای جدید در قوانین مدیریت منابع آب

نگرانی فزاینده درباره کمیابی منابع آب و تأمین نیازهای ناشی از رشد جمعیت و رشد اقتصادی، و همچنین ضرورت بازدهی بیشتر در مصرف و رعایت ملاحظات برابری و زیست محیطی، شمار رو به رشدی از کشورها را به این نتیجه رسانده است که باید در قوانین موجود آب بازنگری نموده یا قوانینی جدید تدوین کنند. این نوشتار به اختصار روندهای مهم در اصلاح یا تدوین قوانین جدید آب را توصیف می کند.

۱- الحاق منابع آب به قلمرو عمومی

با گسترش قلمروی آب های «عمومی» مفاهیمی چون آب های زیرزمینی «خصوصی» و حقوق همجواری در بهره برداری آبراهه های سطحی به تدریج تضعیف شده است. آب های عمومی ممکن است آن دسته از آب ها را شامل شود که تحت مالکیت عمومی دولت قرار دارند. در کشورهایی که مالکیت آب مفهومی ناخوشایند برای

نظام حقوقی بوده، منابع آب امانت مردم نزد دولت قلمداد شده است. نهایتاً، به دولت ممکن است حقوق برتر مصرف کننده اعطا شود. بر اساس این شالوده قانونی، تمام یا بیشتر منابع آب کشور در دایره اختیارات تخصیصی دولت قرار می گیرد.

۲- رسیدگی به اختیارات دولت در تخصیص منابع آب

از جمله نتایج تبدیل شدن آب به

دارایی عمومی را می توان حذف حقوق مالکیت فردی عنوان کرد. از این رو افراد فقط می توانند دعوی حقوق مصرف کننده داشته باشند. چنین حقوقی از اعلام نظر دادگاه ها در پی اقامه دعوا حاصل می شوند (همانند بعضی ایالت های غربی ایالات متحده) یا روندی که معمول تر است، اخذ اجازه از دولت در قالب مجوز، پروانه، حق بهره برداری یا ابزارهای مشابه. اختیار دولت در صدور مجوز و

تخصیص آب به طور سنتی مطابق رویه قضایی یا از طریق فرصت‌های بازنگری سلسله‌مراتبی در فرایند صدور مجوز بررسی می‌شود.

ساز و کارهای بازنگری معمولاً پس از اخذ تصمیم به تخصیص و صدور مجوز اعمال می‌شوند. روند جدید، بررسی پیش از اخذ تصمیمات و صدور مجوزها است. هدف اساسی این رویکرد، ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری است تا نیاز به بازنگری پس از تصمیم حذف شود. بررسی پیش از اخذ تصمیم درباره تخصیص، متأثر از الزام ارزیابی آثار زیست‌محیطی برای برداشت‌های پیشنهادی آب؛ مقتضیات برنامه‌ریزی منابع آب؛ الزام تعیین جریان حداقل در آبراهه‌های سطحی؛ و محفوظ نگاه‌داشتن کمیت معین آب برای مقاصد مشخص است.

۱-۲- الزام ارزیابی آثار زیست محیطی

در بسیاری از کشورها الزام ارزیابی آثار زیست‌محیطی در درخواست‌های جدید برداشت آب و مقررات اعطای مجوز برداشت آب برای مصارف تجاری و صنعتی منظور شده است. علاوه بر این، ارزیابی آثار زیست‌محیطی در طرح‌های توسعه منابع آب سطحی، برداشت آب زیرزمینی و طرح‌های تغذیه مصنوعی الزامی شده است.

۲-۲- ساز و کارها، فرایندها و ابزارهای برنامه‌ریزی آب

ساز و کارها، فرایندها و ابزارهای برنامه‌ریزی آب در قوانین جدید آب به عنوان ساز و کار ترجیحی برای تصمیم‌گیری آگاهانه، آینده‌نگر و مشارکتی در مدیریت و توسعه منابع آب، به ویژه برای تخصیص آب و جلوگیری از آلودگی و کنترل آن ظهور یافته است. برای نمونه، می‌توان به اجباری بودن تهیه و بازنگری ادواری برنامه‌های مدیریت حوضه آبریز برای کشورهای عضو اتحادیه اروپا در نظام‌نامه مدیریت آب اشاره نمود. کشور فرانسه در قانون آب سال ۱۹۹۲، نظام پیچیده‌ای را برای برنامه‌ریزی منابع آب بر مبنای برنامه‌های عمومی آب (پوشش‌دهنده یک یا چند حوضه)، و برنامه‌های

تفصیلی آب (پوشش‌دهنده یک یا چند زیرحوضه یا سفره آب زیرزمینی) دایر کرده است. رعایت مفاد برنامه‌های مصوب، برای تصمیمات دولت الزامی هستند. نمونه‌هایی از رسیدگی به پرونده تصمیم دولت در تخصیص آب زیرزمینی وجود دارد که به دلیل مغایرت با برنامه مصوب حوضه ملغی شده است.

«برنامه‌ریزی تخصیص آب در سطح حوضه» در استرالیا، جنوبی، حجم آبی را که می‌تواند از محدوده حوضه برای استفاده برداشت شود تثبیت کرده است. این قانون به عنوان مرجع استخراج قواعد تصمیم‌سازی درباره تخصیص در دولت و اعطای حقوق آب استفاده خواهد شد. «برنامه‌ریزی عمومی» حوضه در زیمبابوه، اولویت‌های تخصیص آب را مشخص کرده است. برابر این قانون، تصمیمات تخصیص دولت نباید با برنامه‌های حوضه مغایرت داشته باشد.

در قانون مدیریت آب سال ۲۰۰۰ نیوساوت‌ولز، تهیه برنامه‌های مدیریت منابع آب در «محدوده‌های مشخص‌شده مدیریت آب» الزامی شده است. این برنامه‌ها که به مدت ۱۰ سال جاری خواهند بود، بایستی توسط کمیته‌های محلی تهیه شده و پوشش‌دهنده تخصیص و تسهیم منابع آب، حفاظت از محیط‌زیست، زهکشی و مدیریت سیلاب‌دشت باشد. در ایالت ویکتوریا در استرالیا، اصلاحات سال ۲۰۰۱ در قانون آب سال ۱۹۸۹، «برنامه‌های مدیریت جریان طبیعی رودخانه» را تدارک دیده است که به موجب آن، مجموع برداشت از رودخانه‌ها محدود خواهد شد. این برنامه‌ها باید در آن دسته از منابع آب سطحی که وضعیت نامطلوبی دارند تهیه شوند.

در این قبیل موارد، تصمیمات برنامه‌ریزی علاوه بر اینکه استراتژیک هستند (معطوف به اهداف غایی و درازمدت)، تبعیت از آن برای دولت در تصمیمات اعطای مجوز برداشت آب کاملاً الزام‌آور هستند.

۳-۲- الزام رعایت جریان حداقل

هدف از الزام رعایت جریان حداقل، صیانت از محیط‌زیست و حیات آبریان است و با ممنوع‌کردن برداشت از آبراهه‌ها بیش از حدود مشخص‌شده، به عنوان یک محدودیت برای اختیارات دولت در اعطای مجوز عمل می‌کند. الزام رعایت جریان حداقل ممکن است به ویژه برای صیانت از حیات ماهیان رودخانه‌ای، صیانت از مناظر تماشایی و تفریحی رودخانه‌ها و تحقق اهداف کیفیت آب یا رعایت اهداف دیگر طراحی شوند.



۴-۲- محفوظ نگاه‌داشتن

حجم یا جریان مشخص آب

محفوظ نگاه‌داشتن حجم یا جریان مشخص آب برای مقاصد اولویت‌دار نیز اختیار دولت را در اعطای مجوز برداشت محدود می‌کند، از این نظر که این آب را نمی‌توان تخصیص داد، به استثنای مقاصدی که رسماً اعلام شده است. بر اساس قانون سال ۱۹۹۸

در منطقه دیگر برداشت می‌شود)، اثرات بر روی ارزش‌های فرهنگی، اثرات بر روی موجودی منبع برای رعایت الزام اولویت‌ها و به طور کلی اثرات بر روی گروه‌های آسیب‌پذیر.

۴- اخذ بهای برداشت آب

اخذ بهای برداشت آب به‌طور کلی، و برای برداشت آب زیرزمینی به‌طور خاص، به دنبال تأثیر بر تقاضای آب بوده و ساز و کار غیر تنظیمی اصلی برای کنترل برداشت و مصرف آب محسوب می‌شود. برای نمونه در مکزیک، بهای برداشت صنعتی و شهری سالانه وضع می‌شود و حتی پیش از وضع قانون ملی آب‌ها در سال ۱۹۹۲ وصول می‌شد. نرخ مربوطه هر سال توسط قانون وصول مالیات تعیین شده، و به‌گونه‌ای محاسبه می‌شود که بازتاب کمیابی نسبی منابع آب و انواع مختلف مصرف باشد- به استثنای آبیاری- چون در این مورد هیچ بهایی برای برداشت وضع نخواهد شد. در آلمان نیز، نرخ‌ها براساس مصرف تغییر می‌کنند، و بالاترین نرخ نیز به برداشت از آب‌های زیرزمینی تعلق می‌گیرد. در فرانسه، بهای برداشت آب از سال ۱۹۶۴ وصول می‌شود، بها بر اساس حجم، نوع، مصرف، مکان و منبع تغییر می‌کند- برداشت آب زیرزمینی ۲ تا ۳/۵ برابر بیشتر از برداشت از آب سطحی است- با این حال قوانینی در اواسط ۲۰۰۱ در پارلمان مطرح شد که به شیوه جاری که در آن برای بخش‌های مختلف نرخ‌های متفاوتی وضع می‌شود پایان دهد. در نتیجه، صنعت، کشاورزی و خانوارها در هر محدوده معین همان مقدار را برای هر مترمکعب آب برداشته‌شده خواهند پرداخت.

وصول بهای برداشت آب سابقه‌ای طولانی در انگلیس و ولز دارد. بهای برداشت در سطحی تعیین می‌شود که سازمان حفاظت محیط‌زیست می‌تواند هزینه‌های خود را در انجام وظیفه حفاظت از منابع آب پوشش دهد. سطوح و نرخ‌ها بر این اساس تعیین می‌شود، و ظاهراً به دنبال تأثیر بر رفتار برداشت‌کنندگان آب نیست. بهای برداشت آب زیرزمینی تا ۲۰ متر مکعب در روز یا کمتر برای مقاصد کشاورزی وصول نمی‌شود، در

مجاز آب از آبخوان‌های بحرانی باید تثبیت شود. با این کار به شکل مؤثری مجموع برداشت آب زیرزمینی از چنین آبخوان‌هایی محدود می‌شود و همان تأثیر محفوظ نگاه‌داشتن را دارد. در جامائیکا، قانون آب سال ۱۹۹۵ اختیار محفوظ نگاه‌داشتن «منبع تأمین» را برای مقاصد عمومی به دولت می‌سپارد، و متقاضیان برداشت و استفاده از آب محفوظ نگاه‌داشته‌شده برای مقاصد اولویت‌دار، مقدم بر درخواست‌های دیگر قلمداد می‌شوند. در قوانین آب مکزیک، دولت مرکزی اختیار یافته است منابع آب را برای مقاصد تأمین آب خانگی و همگانی، تولید برقابی، رعایت الزام جریان حداقل آبراهه‌ها و به طور کلی صیانت از اکوسیستم‌های آبی کنار بگذارد. دولت فدرال موظف است کمیت و کیفیت منابع آب محفوظ نگاه‌داشته‌شده را برابر اهداف تبیین‌شده کنترل کند.

۳- مبادله ضابطه‌مند حقوق آب

مبادله حقوق آب در راستای کارایی تخصیص و مصرف آب، توجه رو به رشد قانون‌گذاران را جلب کرده است. از آنجا که مبادله حقوق آب، مصرف‌کنندگان را قادر می‌سازد به جای دولت خودشان درباره تخصیص تصمیم بگیرند، بخشی از اختیاراتی که در تخصیص به دولت محول شده (در ابتدای نوشتار مورد اشاره قرار گرفت)، به مصرف‌کنندگان بازگردانده می‌شود.

مبادله آب فارغ از مقررات فقط در شیلی وجود دارد. در این کشور، آب کالایی قلمداد می‌شود که می‌تواند آزادانه با فروش تخصیص‌های مربوطه دولت مبادله شود. با این حال، در سال‌های اخیر، به سبب پیشنهاد دولت برای جریمه احتکار آب (عدم استفاده از آب در مقصود تخصیص) بحث‌های زیادی برانگیخته شده‌است. منتقدان معتقدند برای اطمینان از اینکه آب در همان مقصود تخصیص داده‌شده مصرف می‌شود لازم است مشوق‌هایی عرضه شود. در دیگر کشورها، ضوابط مبادله آب به دنبال حداقل کردن احتمال «اثر خارجی» ناخواسته هستند، از قبیل: اثرات زیست‌محیطی، اثرات بر روی منافع مبدأ برداشت آب (در مواقعی که برای استفاده

افریقای جنوبی، دولت مکلف است منابع آب را برای مقاصد زیست‌محیطی یا برای تأمین نیازهای پایه‌ای انسان محفوظ نگاه دارد. ذیل قانون سال ۲۰۰۱ اسپانیا، دولت اختیار یافته است که از کل رودخانه، قسمت‌هایی از رودخانه، آبخوان یا دیگر پیکره‌های آبی را برای حفظ حالت طبیعی و دست‌نخورده آنها محفوظ نگاه دارد.

در ایالت ویکتوریا در استرالیا، مطابق اصلاحات قانون آب سال ۱۹۸۹، حجم سالانه برداشت



حالیکه دیگر برداشت‌های آب زیرزمینی مشمول اخذ بها هستند. (متناسب با وضعیت آبخوان‌های کشورهای مزبور). در هلند، ساز و کار اخذ بهای برداشت آب زیرزمینی از سال ۱۹۹۵ برقرار شده است، و بخشی از عواید حاصل برای پژوهش در تدوین برنامه‌های مدیریت آب زیرزمینی و مابقی به وزارتخانه دارایی به عنوان بخشی از مالیات عمومی پرداخت می‌شود. در ایالت آریزونا در آمریکا، مالیات بر تمامی مصرف‌کنندگان آب زیرزمینی بر اساس حجم مصرفی وضع می‌شود. عواید حاصل از این مالیات صرف خرید حقالله‌های موجود و خارج کردن آنها از مصرف، طرح‌های تولید آب و حمایت از پژوهش درباره حفاظت آب می‌شود.

۵- کنترل آلودگی آب

ابزارهای تنظیمی و اقتصادی برای جلوگیری و کاهش آلودگی آب ناشی از منابع نقطه‌ای (مشخصاً تخلیه پساب صنعتی و فاضلاب شهری) در برخی قوانین اخیر کنترل آلودگی آب مشهود است. طیف چنین ابزارهایی از مجوزهای تخلیه مرتبط با استانداردهای زهاب خروجی و اهداف/استانداردهای کیفی برای آب‌هایی که تخلیه در آنها صورت می‌گیرد، تا اخذ بهای تخلیه پساب در پیکره‌های آبی را شامل می‌شود (اصل پرداخت به ازای آلودگی).

مصوبات قانونی اخیر حاکی از نگرانی رو به رشد درباره آلودگی منابع آب سطحی، و مهم‌تر از همه، منابع آب زیرزمینی ناشی از منابع غیر نقطه‌ای، مانند رواناب و زهکشی اراضی کشاورزی در مناطق روستایی است. به منظور مقابله با تهدید پیچیده و خطرناک منابع آلودگی غیرنقطه‌ای، در قوانین جدید آب هدف مقررات تغییر کرده است. به عبارتی تمرکز مقررات از تخلیه، به کاربری اراضی (مسبب تخلیه و انتشار آلودگی) تغییر کرده است. بنابراین، شیوه‌های کشت با هدف جلوگیری، کاهش یا به حداقل رساندن آلودگی ناشی از موادی مانند نیترات‌ها مشمول محدودیت‌های مقرراتی قرار گرفته‌اند. در دسامبر ۱۹۹۱، اتحادیه

اروپا دستورالعمل حفاظت از آب‌ها را در مقابل آلودگی ناشی از نیترات منابع کشاورزی تصویب کرد. مطابق این دستورالعمل، کشورهای عضو باید محدوده‌های حساس به نیترات (آسیب‌پذیر در برابر نیترات) را شناسایی کرده و آئین‌نامه یا مقررات مربوط به شیوه مطلوب کشاورزی را تهیه کنند. در محدوده‌های مشخص، رعایت مفاد آئین‌نامه یا مقررات برای کشاورزان اجباری شده است. علاوه بر این، اصل «پرداخت به ازای آلودگی» که پیش‌تر به آن اشاره شد، بخش کشاورزی را نیز که به طور سنتی در برابر سیاست‌های اخذ بها مقاومت کرده مد نظر قرار داده است. برای نمونه در فرانسه، در سال ۲۰۰۱ قوانینی در پارلمان مطرح شد که مالیات بر آلودگی نیتروژنی منابع آب، اعم از سطحی و زیرزمینی ناشی از کشاورزی اعمال می‌کند.

تأثیر انتشار آلودگی منابع نقطه‌ای مثل انباشت و دفن زباله نیز توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. برای نمونه، برابر قانون تصویب‌شده در سال ۱۹۹۷ در اتریش، دفن زباله نیازمند مجوز خواهد بود. پیمانکار جمع‌آوری زباله باید در قالب اقدامات پیشگیرانه اطمینان کافی به وجود آورد. چنانچه ثابت شود تدابیر اتخاذی ناکافی بوده، دولت ممکن است الزامات بیشتر یا الزامات دیگری وضع کند. در موارد حاد، دفع زباله به طور موقت تعلیق می‌شود یا حتی مکان دفن تعطیل خواهد شد. علاوه بر این، دولت می‌تواند افرادی را به هزینه صاحب جواز برای پایش منصوب کند. صاحب جواز باید گزارش‌های سالانه درباره نوع، کمیت و منشأ زباله‌های انباشته‌شده در سال گذشته و نتایج پایش ارائه کند.

سایر قوانین روی کاربری اراضی متمرکز نمی‌شوند بلکه روی محدوده‌ای که آلودگی انتشار می‌یابد و روی فعالیت‌های خاص که می‌تواند مسبب یا تشدیدکننده آلودگی باشد متمرکز می‌شوند. برای مثال در اسپانیا، ذیل اصلاحات ۱۹۹۹ در قانون آب مصوب سال ۱۹۸۵، دولت اختیار دارد آبخوان‌هایی را که تحت تأثیر آلودگی قرار گرفته‌اند یا ریسک آلودگی وجود دارد به عنوان «آبخوان حفاظت‌شده» اعلام کند. در چنین

محدوده‌هایی، برداشت آب زیرزمینی ممکن است محدود یا متوقف شود تا زمانی که برنامه بازیابی آبخوان به اجرا درآید. علاوه بر این، باید از قبل موافقت دولت برای جانمایی تأسیسات، استخراج مصالح یا هر نوع فعالیتی که به طور بالقوه به کیفیت آب‌های زیرزمینی آسیب می‌زند کسب شود.

۶- مشارکت مصرف‌کنندگان در مدیریت منابع آب

تشکیل گروه‌های مصرف‌کننده آب برای توسعه و مدیریت منابع آب آبیاری در سطح وسیعی با اقبال روبرو شده و در قوانین بیشتر کشورهای آمریکای لاتین، اسپانیا و ایتالیا در اروپا و برخی کشورهای جنوب آسیا تدارک دیده شده است. قانون عرفی مشارکت مصرف‌کنندگان نیز نقش غالبی در بعضی کشورها ایفا می‌کند. جدای از این روندهای شناخته‌شده و تثبیت‌شده، مصرف‌کنندگان آب به طور فزاینده‌ای توسط قانون به مشارکت (الف) در مدیریت خرد منابع آب تحت تنش و (ب) در ساختار داخلی دستگاه دولتی مدیریت آب فراخوانده می‌شوند. هر چند به این دو مقوله می‌توان نگاه متفاوتی داشت ولی هر یک از آنها تبلور همکاری نوپای بخش خصوصی-دولتی با هدف دستیابی به اجماع و حمایت برای تخصیص دشوار آب و تصمیمات مدیریت، و سهیم‌شدن مسئولیت‌های دولت با مصرف‌کنندگان ذیربط محسوب می‌شوند.

مداخله مستقیم مصرف‌کنندگان در مدیریت محلی منابع آب در بیشتر قوانین جدید آب رسمیت پیدا کرده است. غالباً چنین تمهیداتی در ارتباط با منابع آب زیرزمینی در محدوده‌هایی که افت سریع آب زیرزمینی یا آلودگی شدید را تجربه می‌کنند مطرح شده است. در ایالت تگزاس آمریکا، نواحی حفاظت آب زیرزمینی به طور سنتی به درخواست و رأی صاحبان املاک تأثیرپذیرفته شکل گرفته است، ولی اکنون تمایل دارند بر مبنای حکم مصوب سال ۱۹۹۷ شکل بگیرند. این کار معمولاً در مناطقی صورت خواهد گرفت که دولت، بر اساس مطالعات خود، ناحیه‌ای را به عنوان ناحیه بحرانی، یعنی مناطقی که با اضافه‌برداشت،

قانون عرفی در برخی کشورها هنوز هم نقش مهمی در مدیریت آب ایفا می‌کند، به ویژه در سطح جوامع محلی. حقوق عرفی آب ندرتاً پیکره‌ای واحد و یکسان از رسومات هستند، و از منطقه‌ای به منطقه دیگر تغییرات وسیعی دارند، گاهی اوقات حتی مابین روستاهای یک منطقه نیز متفاوت هستند.

قواعد عرفی دسترسی به آب در برخی کشورها مستند شده است. کارشناسان آبی، مشهورترین نمونه نظام عرفی را در جزیره بالی اندونزی ذکر می‌کنند که از سده‌های قدیم تاکنون رواج دارد. نمونه‌ای دیگر از قانون عرفی، حق همجواری است، که به شکل‌های گوناگون در برخی کشورها رواج دارد یا رواج داشته است. با این حال در سال‌های اخیر، حقوق اراضی همجوار آبراهه‌ها به طور فزاینده‌ای با حقوق قانونی جایگزین شده است. قانون آب سال ۱۹۷۴ و مقررات آبیاری اندونزی (۱۹۸۲) صراحتاً نظام سنتی تخصیص آب آبیاری و حقوق جاری در جزیره بالی را به رسمیت می‌شناسد، و شأن آن را با تخصیص قانونی و نظام قانونی حقوق یکسان می‌داند. به همین صورت قانون آبیاری سال ۱۹۹۸ بولیوی، گروه‌های مصرف‌کننده آب را که بر مبنای هنجارهای عرفی شکل گرفته‌اند به رسمیت می‌شناسد.

پیش‌نویس قانون جدید آب در نامیبیا، برای جایگزینی قانون آب سال ۱۹۶۴، امتیازی نسبت به یکدیگر قائل نمی‌شود، بلکه در عوض دولت را الزام می‌کند در اعطای حقوق قانونی به رسومات و حقوق عرفی موجود با هدف صیانت از حقوق و سنت‌های عرفی موجود توجه شایسته مبذول کند. این قانون به دنبال تعیین دامنه تعامل میان حقوق عرفی و قانونی آب و حداقل کردن زمینه‌های تعارض است.

که اضافه‌برداشت آب زیرزمینی به طور خاص شدید است، علی‌رغم بلاتکلیفی قانونی، کمیته‌های فنی با جدیت تشکیل شده‌اند، و به عنوان سازمان‌های مصرف‌کننده فعالیت می‌کنند. در این کمیته‌ها تمامی بهره‌برداران آب زیرزمینی و ذینفعان در محدوده آبخوان حضور دارند.

گروه‌های آب‌بر برای مدیریت نقاط تأمین آب و تشکلهای آب‌بر (متشکل از گروه‌های آب‌بر)، تحت نظارت قانون آب سال ۱۹۹۵ اوگاندا قرار دارند. قانون ملی آب سال ۱۹۹۸ آفریقای جنوبی نیز تمهیداتی را برای شکل‌گیری تشکلهای آب‌بران از میان مصرف‌کنندگانی که مایلند مدیریت آب را در راستای منافع متقابل خود به دست بگیرند منظور کرده است. تأسیس مراجع حوضه آبریز تا حدی، پاسخی است به دغدغه ایفای نقش ذینفعان در تصمیم‌گیری‌ها. بدین منظور، مصرف‌کنندگان در سازمان‌های متولی مدیریت حوضه آبریز نماینده دارند. برای نمونه، برابر اصلاحات قانون آب اسپانیا در سال ۱۹۹۹، مراجع حوضه آبریز باید دربرگیرنده نمایندگان مصرف‌کنندگان در تصمیم‌گیری و نهادهای مشورتی باشند. در فرانسه، حداقل دو سوم کل اعضای شورای مدیران دستگاه‌های آبی را ذینفعان تشکیل می‌دهند. همچنین ذینفعان در کمیته‌های مشورتی سازمان‌های حوضه‌ای و کمیته‌های محلی آب نماینده دارند. این ساختار ذیل قانون آب سال ۱۹۹۲ فرانسه به عنوان بخشی از فرایند برنامه‌ریزی منابع آب در سطح زیرحوضه‌ها یا آبخوان‌ها شکل گرفته است.

۷- توجه به فصل مشترک حقوق قانونی و حقوق عرفی آب

تأمین ناکافی یا آلودگی روبرو هستند اعلام می‌کند. با اینکه این نواحی اختیارات متفاوتی از جمله صدور مجوز، تعیین فاصله چاه‌ها و میزان برداشت، و ... را دارند، غالباً مشمول چنین ساز و کارهای تنظیمی قرار نگرفته و در عوض به خودداری داوطلبانه و طرح‌های آموزشی اولویت داده می‌شود. بدین ترتیب، حقوق مالکان اراضی را در پمپاژ آب زیرزمینی دست‌نخورده باقی می‌گذارند. ذیل قانون مدیریت آب سال ۲۰۰۰ ایالت نیوساوت‌ولز استرالیا، مصرف‌کنندگان آب باید در کمیته‌های مدیریت آب زیرزمینی که برای مدیریت سفره‌های تحت تنش تشکیل می‌شوند نماینده داشته باشند. در اسپانیا، برابر مصوبات قانونی آب سال ۱۹۹۹، تشکلهای گروه‌های مصرف‌کننده آب از میان بهره‌برداران آبخوان، در مواقعی که آبخوان بیش از حد برداشت می‌شود یا در معرض ریسک اضافه‌برداشت قرار دارد اجباری شده است. این گروه‌ها در مسئولیت‌های مدیریت آب زیرزمینی با دولت سهیم هستند، به ویژه در مدیریت و تعیین خط‌مشی حقوق برداشت آب زیرزمینی. در مکزیک، از سال ۱۹۹۵ «کمیته‌های فنی آب زیرزمینی» ذیل حمایت کمیسیون ملی آب برای زمینه‌سازی مشارکت بهره‌برداران، به همراه دستگاه‌های فدرال، ایالتی و محلی به منظور تدوین و اجرای طرح‌ها و مقررات حفاظت و بازیابی آبخوان‌ها تشکیل شده‌اند. تشکلهای این کمیته‌ها در قانون آب‌های ملی سال ۱۹۹۲ اندیشیده نشده بود، و در نتیجه جایگاه قانونی آنها روشن نیست. کمیته‌های فنی آب زیرزمینی سازمان‌های مشورتی هستند و تصمیمات آنها ممکن است توسط کمیسیون ملی آب مدنظر قرار گیرد. در مقابل در ایالت گواناجواتو،

جمع بندی

موضوع مهمی که در دستور کار قوانین جدید آب وجود دارد، اصلاح ساز و کارهای تخصیص آب است که باید به توازن پویا میان برابری و کارایی در تخصیص و مصرف دست پیدا کند. ساختارها و سیاست‌های تخصیص آب باید بازتاب عدم قطعیت‌های کمیته آب باشد (در شرایط تنظیم‌شده و تنظیم‌نشده)، و همزمان باید امنیت و اطمینان حقوق آب مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران را به حساب آورد. چالش دیگر متوازن ساختن توسعه منابع آب با حفاظت و حراست از کیفیت آب پیکره‌های آبی، نه فقط برای استفاده بیشتر، بلکه برای بقای زیستگاه‌های وابسته به آب است.

این چالش‌ها نیازمند استفاده خلاقانه از ساز و کارهای اقتصادی هستند، هم به طور مجزا و هم به عنوان مکمل مقررات. تجربه نشان می‌دهد که اگر قوانین، اشتراک مسئولیت تصمیمات دشوار مدیریت را با ذینفعانی که بیشترین تأثیر را از ساز و کارهای مقرراتی و غیر مقرراتی مدیریت منابع آب می‌پذیرند ترویج کنند، احتمال موفقیت بیشتر خواهد بود.

[مصابيح]





حمید پشتوان و محمد ارشدی
کارشناسان اندیشکده تدبیر آب ایران

➤ نگاهی به پیش‌نویس قانون جامع آب

باید و نبایدها از نگاه یک حقوق‌قدان

گفت و گو با دکتر غلامرضا مدنیان، مدیر دفتر حقوقی شرکت مدیریت منابع آب ایران

پیش‌نویس قانون جامع آب کشور در مسیر تهیه‌شدن خود راه پریپیچ و خمی را طی کرده و از زمان مطرح شدن آن در سال ۱۳۸۲، هشت ویرایش را به خود دیده، است. هم‌اکنون تلاش‌هایی در وزارت نیرو در خصوص تهیه ویرایش نهایی آن در حال انجام است. در یکی از روزهای پایانی سال و پس از پیگیری‌های متعدد بالاخره فرصتی پیش آمده تا با بهانه سوال در خصوص ضرورت و فرایند تهیه پیش‌نویس قانون جامع آب پای صحبت‌های دکتر غلامرضا مدنیان، مدیر دفتر حقوقی شرکت مدیریت منابع آب بنشینیم. صحبت در باره قانون جامع آب شروع شد ولی در ادامه بحث فراتر رفت و به بیان مسائل حقوقی آب در کشور منتهی شد.

«وزارت نیرو بر اساس چه ضرورت‌ها، نیازها یا تکالیفی، تهیه قانون جامع آب را در دستور کار قرار داد؟»

برای پاسخ به پرسش شما ابتدا باید فضای کلی حاکم بر قوانین آب ایران را در حد مختصر و مفید بیان کنم. وقتی می‌خواهید بازنگری اصولی در یک چارچوب قانونی صورت دهید الزاماً باید به پیشینه توجه داشته باشید. به همین دلیل از جایی شروع می‌کنم که بنیان قانون‌گذاری ایران شروع شده است. اگر تاریخ کشورمان را به دو بخش قبل از مشروطیت و بعد از مشروطیت تقسیم‌بندی کنیم، در دوران قبل از مشروطیت در واقع حاکمیت قانون در کشور وجود نداشته و کشور بر اساس الگوی ارباب و رعیتی اداره شده است. اگر هم ایالاتی وجود داشته در آن‌ها هر والی محلی به زعم خودش کارهایی انجام می‌داده است. ولی بعد از دوره مشروطیت، کشور دارای یک نظام حقوقی نوین و مدون شده است که بر اساس الگوی حاکمیت قانون مجلس شورای ملی تأسیس می‌شود. همچنین بر این مبنا قوانین بالادستی از جمله قانون اساسی و سپس متمم آن به تصویب می‌رسد که همه گویای تغییر رویکرد قبلی به رویکرد حکومت قانون و دولت قانونمدار می‌باشد. بر این مبنا ضوابطی که باید در کشور اجرا شود، الزاماً بایستی واجد وصف قانون بوده باشند. بعد از آن قوانین به نحو مشخصی تصویب، ابلاغ و توشیح می‌شوند و ابلاغ قوانین در در یک فرایند حقوقی صورت می‌گیرد.

از سال ۱۲۸۵ ما وارد دوره جدید قانون‌گذاری در ایران می‌شویم. سال ۱۲۸۵ در واقع نقطه آغازین وضع قوانین مرتبط با حقوق نوین در ایران است که با استفاده و اقتباس از حقوق غرب، حقوق اسلام و حقوق کشورهایی که از نظر حقوقی با ما همسان بودند شکل می‌گیرد. اول قوانین مادر تحت عنوان قانون مدنی، قانون مجازات و غیره تصویب شد و رفته‌رفته پس از آن قوانین ثانوی هم شکل گرفتند.

از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۷ حدود ۴۶ قانون مرتبط با آب در عرصه قانون‌گذاری تصویب شده است. رویکردی که این قوانین داشتند، رویکرد مبتنی بر حقوق خصوصی بوده است. در نظام قانون‌گذاری کشور دو مقوله روشن وجود دارد: ۱-

حقوق خصوصی، ۲- حقوق عمومی. حقوق عمومی مبتنی بر روابط افراد با دولت است، یعنی هر جا صحبت از دولت می‌شود، رابطه فرد با دولت ذیل حقوق عمومی تعریف می‌شود. همه رشته‌هایی که یک طرف آن‌ها حاکمیت و دولت است، ذیل قوانین حقوق عمومی بررسی می‌شوند و مکانیزم‌هایی که حل مسئله می‌کند، مکانیزم‌های حاکمیتی است. به عبارتی دیگر قواعد حل مسئله با سیستم دولتی جلو می‌رود. در حالتی که روابط بین افراد مورد نظر باشد، حقوق خصوصی مطرح می‌شود. یعنی رابطه من و شما یک رابطه حقوق خصوصی است. مثلاً شما فروشنده هستید، من خریدار، یا یک رابطه ارث و میراثی پیش می‌آید، یک رابطه ازدواج پیش می‌آید، اصالت اسناد، صحت اسناد، هویت افراد و غیره. همه اینها روابط فردی هستند که قانون‌گذار آنها را در مقوله حقوق خصوصی حل می‌کند. در بحث آب هم به همین شکل بوده است.

قانون‌گذار می‌گوید آب یک مال است که هر کس می‌تواند از آن به اندازه استطاعت خود بهره‌مند شود و می‌تواند به اندازه توان خودش شق نهر کند و آب را بیاورد و مکانیزم بهره‌برداری مشترک از آب را هم مشخص کرده است. گفته است یک منبع آبی به نام رودخانه وجود دارد، افرادی که می‌خواهند از رودخانه استفاده کنند، بالادستی‌ها بر پائین‌دستی‌ها مقدم هستند. اگر می‌خواهند مشارکت داشته باشند، اختلاف بین آن‌ها به وجود بیاید، به نحو قرعه و قرعه‌کشی باید مسئله خودشان را حل کنند. یا نظام مرتبط با قنات، افرادی جمع شده‌اند و به زبان امروزی یک شرکت خصوصی تشکیل داده‌اند؛ یک عده قنات را طراحی کرده‌اند، عده‌ای کارگر اجرایش کرده‌اند، سپس آن‌هایی که از قنات بهره‌مند شده‌اند، نظام حاکم بر استفاده از قنات را خودشان ترسیم کرده‌اند و دولت هیچ نقشی در احداث قنات، استفاده از قنات و مکانیزم طراحی و نظارت‌های فنی و غیره ندارد. بنابراین در موضوع آب رابطه افراد با یکدیگر، ابتدا براساس روابط افراد با همدیگر شکل گرفته است و آب به عنوان یک کالای اقتصادی که دولت حاکم بر آن است تعریف نشده است، بلکه به عنوان یک مال مشترک تعریف می‌شود که براساس ضابطه قانونی به آن مال

مباح گفته می‌شود و در مورد مال مباح هم هر کس می‌تواند به اندازه استطاعت خودش از آن استفاده کند.

سایر منابع طبیعی کشور هم همین طور بوده است. در حال حاضر برای صید باید پروانه اخذ شود. در گذشته هر کس می‌توانست بدون اینکه پروانه‌ای بگیرد به هر شکل می‌توانسته صید کند. جنگل هم همین طور بوده است. اگر ضابطه جنگل را هم نگاه کنید باز همین سیر طی شده است. یعنی اول دولت هیچ نقشی نداشته است، صدور پروانه در کار نبوده، نظارت نبوده، کنترل نبوده و افراد خودشان از منابع طبیعی استفاده می‌کردند. در واقع مالک بودند و از مالکیت خود بهره‌مند می‌شدند. رابطه از نظر حقوقی، رابطه استطاعت است. من توانایی شخصی داشته‌ام، توانایی مالی داشته‌ام، نسبت به آب وضع ید کرده‌ام و گفته‌ام این آب مال من است، این چاه مال من است، این قنات مال من است، این رودخانه... من شق نهر می‌کنم و از آب آن هم استفاده می‌کنم. در این جا دولت حضور ندارد. پس از گذشت حدود ۲۵ سال، دخالت دولت در امور فنی و نظارتی پدیدار می‌شود. مثلاً دولت برای تأمین آب شرب تهران شرکتی را تشکیل می‌دهد و بعد این شرکت را به بخش خصوصی می‌دهد. بحث‌های مرتبط با ارائه کمک‌های فنی و اعتباری را پیش می‌کشید تا ما را به این می‌رساند که آب واقعاً یک ثروت ملی است. این اتفاق در سال ۴۷ به وجود می‌آید.

در فاصله حدود ۶۲ یا ۶۳ سال از ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۷ نظام حاکم بر روابط آب کشور بدون دخالت دولت، در فضای حقوق خصوصی شکل گرفته است. کل دخالت دولت در چارچوب کمک‌های فنی اعتباری و مدل‌سازی‌ها و کمک‌های جزئی به شهروندان بوده است. ولی رابطه مردم با آب، رابطه مستقیم بوده است. مردم خودشان برای خودشان حقابه تولید کردند، بین خود سند رد و بدل کردند، دفاتر بین خودشان برقرار کردند، برای اندازه‌گیری آب می‌یاس گذاشتند، اینجا فنجان است، آنجا پیاله است و مردم هر منطقه با توجه به وضعیت آبیاری و مقدار آبی که داشتند، خودشان آب را مدیریت کرده‌اند و مدیریت آب بر عهده خود مردم بوده و محور آن هم از نظر حقوقی ملائت یا توانمندی، استطاعت مالی و فردی بوده

است.

در این فضا مشارکت را هم می‌بینیم، یعنی یکی از بحث‌های حقوق آب سابق ایران این است که ما مشارکت در مدیریت منابع آبی کشور را شاهد هستیم. مردم آب‌هایی را که در یک منطقه در اختیار داشته‌اند مدیریت کرده‌اند. در این بازه زمانی، چگونگی حل و فصل مخاصمات، به کجاها مراجعه می‌کردند، دادگاه‌هایی که وجود داشته چگونه بوده، همه در نظام حقوق خصوصی آب قابل مشاهده است. روند حاکم بر آب در فاصله سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۷ با محوریت حقوق خصوصی سپری شده است.

از ۱۳۴۷ به بعد حکمرانی آب* شکل می‌گیرد. جا دارد از پیش‌کسوت حقوق آب ایران، آقای مرتضی سرمد یاد کنم که وکیل وزارت آب و برق آن زمان بودند. ایشان یک سری مطالعاتی انجام می‌دهند که قانون آب ۱۳۴۷ بر اساس آن مطالعات شکل می‌گیرد. در سال ۱۳۴۲ بر اساس طرح‌های لوایح ۷ گانه موسوم به انقلاب سفید، که یکی از برنامه‌های آن ملی‌شدن آب بوده است در ابتدا وزارت آب و برق در ۱۳۴۲ تشکیل می‌شود. یکی از اهداف این وزارتخانه این بوده که رویکرد نسبت به آب را تصحیح نماید و تحولی در نظام بهره‌برداری از آب، نظام مهندسی آب و نظام اقتصادی حاکم بر آب ایجاد نماید. به عبارتی سعی عمده‌ای داشته است که نظام خصوصی قبلی را که دخالت دولت در آن نبوده تغییر دهد.

در گذشته هر کس هرکاری می‌خواست انجام بدهد، لازم نبوده از هیچ مرجعی استیذان کند و استفاده از آب در واقع بدون نیاز به اجازه بوده است. وزارت آب و برق اولین کاری که انجام می‌دهد، منضبط کردن استفاده از منابع آبی بر اساس الگوهای حقوقی است. نمونه آن صدور پروانه‌های استفاده از منابع آبی سطحی و زیرزمینی است.

آقای سرمد در این فضا مطالعات خودش را انجام می‌دهد. از ۱۳۴۲ که وزارت آب و برق تشکیل می‌شود ایشان مأمور مطالعه حقوق جدید آب می‌شود. نتایج مطالعات ایشان در یک مجموعه چندجلدی منتشر شده است. ایشان هم درباره حقوق غرب و هم درباره حقوق اسلام مطالعه و بحث‌های مرتبط با آب را استخراج می‌کند، با این قصد که کشور اسلامی است و می‌خواهیم حقوق نوین را پیاده کنیم و دولت را مطرح کنیم. از آن طرف هم در احادیث هست که آب نعمتی است برای همه و در متون

اسلامی همه افراد حق دسترسی مساوی و بدون تبعیض نسبت به آب را دارند و لذا آب عمومی و بلا تصرف به عنوان یک عطیه الهی مطرح می‌شود و گفته می‌شود آب حرمت و قداست دارد و بخاطر این حرمت و قداست حتی می‌گویند آب نباید قابل فروش باشد و به آن باید به عنوان یک عطیه نگاه شود. به همین دلیل مظروف آب را غالباً مورد فروش قرار داده‌اند. مثلاً قنات را فروخته‌اند یا شق نهر را فروخته‌اند.

البته نظریات فقهی مخالفی هم وجود دارد. از این جهت ایشان مطالعه را انجام می‌دهد و در کتاب‌های خود بحث‌های نظری قانون را مطرح می‌کند و یک پیش‌نویس قانون ارائه می‌کند. این پیش‌نویس در سال ۴۵ یا ۴۶ در کنفرانس بین‌المللی ECAFE ارائه می‌شود و مورد نقد قرار می‌گیرد. این پیش‌نویس به مجلس ارائه می‌شود و نهایتاً در سال ۱۳۴۷ اولین قانون خاص آب ایران که در بردارنده همه مسائل آب است به تصویب قانون‌گذاران می‌رسد. این شروع حکمرانی آب و دخالت دولت در منابع آبی است.

با تصویب این قانون، دخالت و تحکیم دولت با الزامات حقوقی آغاز می‌گردد. منظور از الزامات حقوقی آن است که مثلاً ما به ازای کیفی برای آن قرار می‌دهد، هر کس بدون اجازه وزارت آب و برق کاری کند و به منابع آبی تعرض کند جریمه می‌شود. حکومت قانون یا حاکمیت قانون، باب جدیدی را در کشور راه می‌اندازد و عرصه استفاده از منابع آب با رویکرد حقوق عمومی را مطرح می‌کند. یکی از محورهای حقوق عمومی بحث استیذان و اجازه و حاکمیت مستقیمی است که دولت بر منابع آبی دارد. در واقع رویکرد دوم از سال ۱۳۴۷ به بعد شروع می‌شود که تا الان هم ادامه دارد.

در قانون اساسی بعد از انقلاب، همین نگاه وجود دارد که آب انفال است و انفال در اختیار حکومت اسلامی است. در واقع همان مدل دولت‌گرایی را تقویت می‌کند و حتی قوی‌تر تعقیب می‌کند تا جایی که حتی وزارت نیرو نماینده حاکمیت است نه دارنده و مالک آب.

دولت در مدل حقوقی خود متشکل از سه قوه است، در قانون اساسی عنوان می‌شود که آب مال حکومت و در اختیار حکومت است. حتی یک پله بالاتر در اختیار ولی فقیه است. ولی فقیه اجازه می‌دهد که دولت دخالت کند. یعنی این استیذان صورت گرفته است. یعنی این اجازه را رهبری به دولت داده است که مقررات مربوط به کارهای وزارت

نیرو را انجام دهد.

در سال ۱۳۵۸ که قانون اساسی تصویب می‌شود، در اصل ۴۵ قانون اساسی آب را انفال اعلام می‌کند. مجلس در سال ۱۳۶۱ قانون توزیع عادلانه آب را با محوریت انفال بودن تغییر می‌دهد. می‌توان گفت آبی که در سال ۱۳۴۷ ملی اعلام شده، در سال ۱۳۶۱ گفته می‌شود همان آب ملی‌شده و انفال شده را به نحو عادلانه تقسیم کنیم. پیام قانون توزیع عادلانه آب سال ۱۳۶۱، عادلانه تقسیم کردن آبی است که انفال و ثروت ملی است. در پیش‌نویس جدیدی که الان در دست بررسی و ویرایش‌های نهایی است کماکان اجازه از دولت و مجازات متخلفین و مسائل فنی آب، همه با عنصر دولت و حکمرانی آب به وسیله دولت تدوین شده است.

«چه شد که به جای انفال در قانون توزیع عادلانه آب مشترکات جایگزین شد؟»

به خاطر اختلاف نظر شورای نگهبان با آن بود. شورای نگهبان از لحاظ فقهی زیر بار این بحث نمی‌رفت و در نهایت به این وفای رسیدند که کلمه مشترکات هم می‌شود انفال باشد، هم مباحات باشد و هم ثروت ملی و بحث‌های شرعی و قانونی آن هم حل می‌شود. حقوق دانان نظریاتی داشتند و فقها نظریات دیگری و این گرفتاری پیش آمده بود که چگونه انفال را تبدیل کنند به یک ترم جدید حقوقی که بتواند مشکل را حل کنند.

«آیا قانون توزیع عادلانه آب می‌تواند همه مسائل آب ما را حل کند؟»

مدیران عالی وزارت نیرو براساس کارکردهایی که در وادی عمل دیده بودند، به این نتیجه رسیدند که این قانون توانمندی لازم را ندارد. برای مثال، امروز نیاز است که توجه جدی‌تری به جنبه‌های اقتصادی، زیست‌محیطی، فنی، سرمایه‌گذاری و مسائل دیگر بشود که الان در پیش‌نویس قانون جامع آب آمده است.

با بررسی مشخص شد که در قانون توزیع عادلانه آب از یک طرف اهمال‌هایی وجود دارد و از طرف دیگر اجمال‌هایی وجود دارد. بر این اساس اتخاذ نگاه جدید در قانون جامع آب ضرورت یافت. اسم آن را جامع گذاشتند به لحاظ اینکه در بردارنده همه مسائل و الگوهای جدید مرتبط با آب باشد.



آب کمک کند.

«در مورد سازمان و فرایند انجام کار صحبت بفرمایید»

در حدی که من می‌دانم، چون زمانی که پیش‌نویس اول تهیه شد، من در سازمان آب و برق خوزستان بودم و درباره آن اظهار نظر کردم، به این شکل بوده است که از برخی از نمایندگان وقت مجلس دعوت می‌شود که این کار را راهبری کنند. یک تیم‌سازی انجام می‌دهند و کارگروه‌هایی را برای تدوین هر بخش آن در نظر می‌گیرند.

«کجا اینکار تعریف می‌شود؟»

در وزارت نیرو، شرکت مدیریت منابع آب.

«نحوه انجام کار چگونه بوده است؟»

ظاهراً قرارداد با موسسه کرج، به عنوان پیمانکار و مجری این طرح بسته می‌شود. جلسات آن هم در خود مرکز مدیریت و آموزش کرج برگزار می‌شود. تیم‌های مختلفی می‌آیند، حرف‌هایشان را مطرح می‌کنند. این کار از سال ۱۳۸۰ شروع شد و اگر اشتباه نکنم در انتهای سال ۱۳۸۱ پیش‌نویس اول بیرون آمد. در سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۳ بود که پیش‌نویس را در اختیار شرکت‌های تابعه قرار دادند تا نظرات خود را ارائه کنند. اظهار نظرها در گام‌های بعد صورت گرفت و ویرایش‌های مختلف آن تا نهایتاً ویرایش هشتم تهیه شد. در این زمان کار را از آقایان تحویل گرفتند.

به نوعی مکمل مباحث قبلی بوده است. به هر حال من با این پیش‌نویس‌ها، تاکنون موافقت تام و مطلق نداشتم.

«برای رفع این نقایص، شما به چه راهکاری معتقدید؟»

ما باید با مجلس یک همگرایی پیدا کنیم تا هر دو به این نقطه برسیم که یک شعار بدهیم. مثلاً بگوییم آب‌های ما محدود است، باید از این منابع حفاظت کنیم، قانون شدید و غلیظی بنویسیم که هر کس ضد حفاظت از منابع آب عمل کرد، آب را آلوده کرد، غیر مجاز استفاده کرد، اتلاف کرد، تخریب کرد با او برخورد شود. این می‌شود یک رویکرد. نه اینکه حتماً همین باید باشد. این یک نگاه است و نگاه من (دولت) با نگاه مجلس باید یکی باشد. اما مجلس دنبال توسعه کشاورزی در سطح و گستره همه نقاط کشور است. مثلاً برخی از کارشناسان در بدنه دولت معتقدند که اصولاً در کشور کم‌آبی مثل ایران، رفتن به سوی توسعه کشاورزی غلط است و باید به سمت صنعت برویم. یا آنکه ارزش‌افزوده مصرف آب در بخش صنعت بسیار بیشتر است. اساساً آب را به چه کسی بدهیم؟ چگونه بدهیم؟ چقدر بدهیم؟ باید با مجلس بنشینیم و به یک جمع‌بندی برسیم. باید هدف روشنی از آن استخراج شود و قانونی که در نهایت در می‌آید منسجم باشد.

الان ما برای قانون تعیین تکلیف چاه‌های فاقد پروانه مکلف شده‌ایم. یک آدمی که فردی متخلف بوده و ۱۰ سال، ۲۰ سال رفته از آب به صورت غیر مجاز استفاده کرده، کشاورزی کرده و پول و منافع به دست آورده، زانیا خریده و... ما او را به خاطر جرمش مجازات نمی‌کنیم و نادیده می‌گیریم، پروانه‌ای هم به او می‌دهیم که به صورت دائمی از منابع آب استفاده کند. آیا این درست است؟

وزارت نیرو مکلف شده این قانون را اجرا کند. وقتی شما به عنوان شهروند جامعه نگاه می‌کنی می‌بینی مجازات نادیده گرفته می‌شود، در واقع می‌گویی اشکال ندارد برو یک چاهی حفر کن، چند روز دیگر برایش مجوز می‌گیری. لذا من به عنوان یک کارشناس اعتقاد دارم برای هر تدوین و تصویب باید بین مجلس و دولت این همگرایی به وجود آمده و پیام قانون به بهبود حفاظت از آب و منابع آبی و قانون‌گرایی بیشتر استفاده‌کنندگان از

همزمان با این امر، یک سری کارهای دیگر هم صورت گرفت. بحث‌های مرتبط با قانون تشویق سرمایه‌گذاری در بخش آب در سال ۱۳۸۲ در مجلس تصویب شد، آنها منتظر قانون جامع آب نماندند و انجام دادند. بحث‌های مرتبط با منابع آب‌های زیرزمینی را در تبصره ۱۷ قانون برنامه چهارم آوردند و قانون تنظیم مقررات دولت و ... در واقع بحث‌های آب روز به روز برجسته‌تر شد. اما به طور عمده می‌توان گفت که لزوم تدوین و تهیه قانون جامع آب از سال ۸۰ به بعد شکل می‌گیرد.

«نظرات کلی شما درباره پیش‌نویس قانون جامع آب چیست؟»

ما باید هدف داشته باشیم. وقتی می‌خواهیم قانونی را به مجلس ببریم، قانون باید شعاری داشته باشد. یک هدف، یک دکترین... یک پکیج منسجم و به هم پیوسته‌ای باشد که از درون آن یک ثمره به دست آید. مثلاً در قانون آب و ملی‌شدن آب، هدف قانون‌گذار چه بود؟ ملی‌کردن و منضبط کردن مردم و دخالت دولت در منابع آبی، تنظیم مقررات برای مجازات متخلفین و استفاده صحیح مهندسی از منابع آب. این روح قانون ملی‌شدن است. شما فصول آن را که مطالعه کنید، هر فصل آن این پیام را می‌خواهد بدهد که آبی را که ما ملی کرده‌ایم، منضبط‌اش کنیم، متخلفین را هم این‌گونه تنبیه کنیم. منابع آن را هم این‌طوری سازماندهی کنیم که آن آب چون ملی شده است باید حفظ شود. در قانون توزیع عادلانه آب گفته‌ایم آبی که ملی شده، انفال شده می‌خواهیم عادلانه تقسیم کنیم، آب محدود است، مشترکین زیاد هستند و عرضه و تقاضا با هم نمی‌خواند و ما می‌خواهیم به صورت عادلانه به هر کس دانگ و سهمی بدهیم. اما با نگاه به پیش‌نویسی که قرار است قوانین فعلی ما را متحول کند هیچ پیام متحدالشکل و منسجمی را نمی‌توانیم استنتاج کنیم. پیش‌نویس‌هایی که تا کنون ارائه شده حامل این روح و پیام نیستند. می‌دانیم که حدود ۸-۹ ویرایش برای این قانون جامع به وزارت نیرو ارائه شده که خود این امر، گویای نوعی سردرگمی در اهداف تدوین قانون جدید است. اما شاید عده‌ای با نظر من موافق نباشند و اعتقاد دارند که به لحاظ طولانی‌شدن زمان بررسی‌ها، هر ویرایش

این کاری که صورت گرفته باز باید برود به تصویب مجلس برسد، یعنی بند به بند، تنقیح یعنی این که شما یک سری قوانین دارید. نگاه می کنید ببینید، کدام قانون، کدام قانون را نسخ می کند. نیازی به این نیست که دوباره متن جدیدی بنویسیم.

همان متنی که در گذشته بوده، می گوئیم این معتبر است و آن هایی که منسوخ شده را کامل یکجا جمع می کنیم می بریم مجلس و با تصویب یک ماده واحده که براساس آن، قوانینی که به شرح پیوست هستند باطل اعلام می شوند و قوانینی که معتبراند اینها هستند، اما دیگر وارد سیستم قانون گذاری یا قانون نویسی نمی شویم که ادبیات متن را عوض کنیم.

در چنین فضایی، مجلس در سال ۹۰ قانونی تحت عنوان قانون تنقیح مقررات کشور را تصویب و همه وزارتخانه ها را مکلف کرد با مجلس همکاری کنند و قوانین شان را تنقیح کنند. مجلس این کار را به خودش محول کرده بود که خودش تنقیح کند نه دستگاه ها. وزارت نیرو و بخش آب و برق در مقابل سازمان بازرسی، به عنوان پیمانکار تنقیح قوانین مجلس قرار گرفتند. ما با این قانون که در مجلس تصویب شده بود مواجه شدیم.

سازمان بازرسی از ما دعوت کرد. در بخش وزارت نیرو حدود یک سال ما به اتفاق آقای آزادی از دفتر حقوقی به سازمان بازرسی رفتیم. روزهای دوشنبه می رفتیم و پالایش قوانین را آنجا انجام دادیم. ما در آنجا هر کلمه که در قوانین در مورد آب بود را پیدا کردیم و به شکل دقیق درباره آن بحث کردیم. قضات متبحری از اداره حقوقی و سازمان بازرسی در این تیم حضور داشتند که ما قوانین موجود را تک به تک، با هم مشخص کردیم که کدام قانون ناسخ و منسوخ است، با هم جدل حقوقی کردیم و چیزی از درون آن درآمد. این کار هم به صورت یک بحث حقوقی وجود دارد.

اصلاً هیچ متن قانونی هم ننوشتیم، ما گفتیم این قانون باطل است و این قانون معتبر است، ثمره کار پکیجی شد که الان در دفتر بازرسی کل کشور است، البته هنوز هم از طریق مجلس تصویب آن گرفته نشده است.

در مجموع این بسته قانونی هم درآمد و هنوز هم کارهایش تمام نشده و آن هم یک گزینه پیش روی ما است. یک اتفاق دیگر هم در خود شرکت مدیریت منابع آب افتاد. در فاصله قانون تنقیح تا کاری که آقای

آرامش. آقای آرامش هم آن را دادند به دفتر فعلی آقای اسدالهی. خوب این اتفاق در واقع تا زمانی که آقای آرامش بود به این شکل جمع شد. با آمدن مدیرکل جدید در دفتر حقوقی وزارتخانه به اسم آقای نوری، دوباره یک کار جدید در وزارت نیرو شروع شد.

با شروع مدیریت ایشان در سال ۱۳۸۷، ایشان گفت که به نظر ما وزارت نیرو به اندازه کافی قوانین دارد. اما قوانین آن پالایش نشده اند و ضرورت دارد این پالایش و غربالگری صورت بگیرد. به ایشان گفته شد که قانون جامع آب داریم و بخش برق هم یک قانون جامع برق نوشته اند. گفتند ما با اینها کار نداریم. ما همین قوانینی که از ۱۲۸۵ تا به امروز آمده را نگاه می کنیم. ناسخ و منسوخ اینها را در می آوریم و می گوئیم این قوانین به درد ما می خورند و آن قوانین متروکه و منسوخه محسوب می شوند. قراردادی با آقای بابایی بسته شد و به آقای بابایی گفتند که شما قوانین ناسخ و منسوخ آب و برق و آب و فاضلاب را مشخص کنید.

این کار به اسم تنقیح معروف شد. آقای بابایی هم آمدند کار را به این شکل مدیریت کردند که اولاً همه قوانین آب و برق و آب و فاضلاب را دسته بندی کردند. اول به تقدم و تأخر و تاریخی آن ها را مرتب کردند. بعد گفتند کدام قانون کجاها آمده، کدام قانون نسخ صریح کرده و ابطال کرده آن ها را بگذاریم کنار. قوانینی که معتبر هستند اینها هستند. قوانین غیر معتبر در جدول مقابل آن قرار گرفتند. کار دیگری که ایشان انجام دادند این بود که خودشان متن جدیدی تحت عنوان متن تنقیح شده ارائه کردند که از نظر حقوقی یک تدوین به حساب می آمد.

خصوصیت آن چه بود؟

خصوصیت آن این بود که قانون نوشته بودند.

یعنی ساختار یک قانون را داشت؟

به اصطلاح پیش نویس قانون جدیدی که مثل همین قانون جامع آب بود و ۱۱۰ الی ۱۲۰ ماده داشت. باز هم این کار منتقدانی داشت و معتقداتی. آقای نوری حدود سال ۱۳۸۹ کار را از ایشان تحویل گرفتند. جلسات متعددی درباره آن با آقای بابایی و همکاران برگزار شد. یکی از مخالفین این تنقیح هم من بودم. ما معتقد بودیم که این تنقیح اولاً خلأهایی دارد. پیام های شفاف و روشنی ندارد، ما نمی بینیم می خواهیم چکار انجام بدهیم؟ گفته ایم غربالگری ولی غربال هم نکرده ایم. آمده ایم قوانین منسوخ را مشخص کرده ایم، اما این به درد ما نمی خورد. اما



ادامه کار به چه شکلی پیش رفت؟

در سال ۱۳۸۵-۱۳۸۶ یک اتفاقی افتاد. ویرایش هفتم یا هشتم در یک سمینار یک روزه در سالن شهید عباس پور در شرکت مدیریت منابع آب، ارائه گردید.

اعتراض شما به چه مواردی بود؟

به ادبیات آن، به حل مسئله آن، به اینکه اصلاً انسجام ندارد، از هم گسیخته است. مسائل ما را ندیده و باز به ابهام ها می افزاید و مسائلی از این دست. آن زمان من سرپرست دفتر حقوقی سازمان مدیریت منابع آب بودم. آقای بابایی هم آمد یک سری انتقاد کرد. همکاران فنی هم یک سری انتقاد کردند. بعد به این جمع بندی رسیدند که این کار تحویل گرفته شود و در خود وزارت نیرو ادامه پیدا کند، فکر می کنم سال ۱۳۸۶ بود، آقای دائمی سرپرست یا معاون برنامه ریزی بودند. پکیج مربوط به قانون آب را به من واگذار کردند.

ویرایش چندم بود؟

اگر اشتباه نکنم ویرایش هفتم بود. من گفتم اینجا دفتر حقوقی شرکت مدیریت منابع آب است و وزارت نیرو می خواهد قانون را به مجلس ببرد. آن را به آقای آرامش، مدیرکل دفتر حقوقی وقت وزارتخانه دادم. البته یک کاری هم انجام دادم. استعلامی از شرکت ها به عنوان اشکالات حاکم بر قانون توزیع عادلانه آب و پیش نویس انجام دادیم و فرستادیم برای آقای

بابایی تحویل داده بود، من هم در دفتر خودمان یک کارگروه تنقیح تشکیل دادم. با همکاری تیمی که اینجا بودند، ۵۵ ماده از کاری را که آقای بابایی انجام داده بود دوباره ویرایش کردیم. چون من معتقد بودم کاری که آقای بابایی کرده در تدوین دارای اشکالاتی است که با آن کارگروه هفت هشت نفره ویرایش کردیم و با هم تا ۵۵ ماده هم پیش رفتیم. بعد که مدیر عامل ما عوض شدند، دستور کارها عوض شد و اجرای کار متوقف شد.

«قصه این کار چه بود؟»

من در اولین جلسه آقای بابایی را دعوت کردم گفتیم شما که این کار را به آقای نوری داده‌اید، چه رویکردهایی داشتید؟ چه مسائلی داشتید؟ درباره الگوی فکری ایشان با هم صحبت کردیم. بعد گفتیم خوب اینجا اشکالاتی وجود دارد. یک بخش‌های از اشکالات را قبول داشتند و در همان فضا رفتیم جلو که اصلاحات انجام شود. ولی انتظار ما این بود که آن کار برود به سمت مجلس و ما می‌خواستیم آن کار تدوین را جایگزین قانون جامع بکنیم.

چون تلقی من هم از مقایسه متن آقای بابایی و پیش‌نویس، روی متن آقای بابایی بود که قوی‌تر است و حقوقی‌تر نوشته شده است. پیش‌نویس قانون جامع، مهندسی نوشته شده بود.

«این کار در چه مرحله‌ای قرار دارد؟»

همان ۵۵ ماده اصلاح شده وجود دارد، ولی دیگر کار را ادامه ندادیم. تا زمانی که آقای الماسوندی مدیرعامل بودند ایشان می‌گفت که این کار را جلو ببریم. مدیرعامل جدید که آمد تأملی داشت نسبت به این بحث و گفت بماند ببینیم چه می‌شود. ما هم دیگر پیش نرفتیم. البته تیم ما هم یک مقدار مشکل پیدا کرد. آقای توکلی که همراه ما بود، وارد مجلس شد. آقای معماری که همراه ما بود بازنشسته شد. آقای اسفندیاری همراه ما بود بازنشسته شد. تعدادی از همکارها همزمان بازنشسته شدند. دیگر مدیرعامل هم نظر نداشت و حمایت نمی‌کرد.

در پایان بحث، جمع‌بندی خود را ارائه فرمائید.

معتقدم اگر قرار است برای آب چیزی نوشته بشود باید حقوقدانان بنویسند، نه مهندسان. این تفکیک را نه به لحاظ اینکه

من حقوقدانم....

شاید من هم چهار سال درس بخوانم مهندس هم بشوم... اما شما وقتی میخواهید کاری بکنید و با مجلس حرف بزنید باید با ادبیات حقوقی جلو بروید.

مثالی بزنم، سر کلاس که درس می‌دهم، کلماتی که من استفاده می‌کردم دانشجویان ترم دومی معنی آن را نمی‌دانستند. گفتند استاد میشود ثقیل حرف بزنید. مثلاً ببخشید عوامانه‌تر حرف بزن. گفتم حقوق علم واژه‌ها است. پشت هر واژه یک بار معنایی سنگین وجود دارد که در زبان حقوقی طرف متوجه میشود آن مفهوم به چه معنا است. مثالی بزنم. یک جمله‌ای داریم تحت عنوان "بیع محقق شده است" وقتی این جمله را به کار می‌بریم، یعنی ۵۰۰ صفحه کتاب حقوق مدنی آقای دکتر کاتوزیان یا دکتر امامی.

وقتی که من در مقابل قاضی قرار می‌گیرم به جای اینکه ۵۰۰ صفحه را بخوانم باز کنم همین یک جمله را می‌گویم که "آقای قاضی در این پرونده بیع محقق شده است." ایشان دیگر تا آخر آن را می‌خواند. بیع محقق شده، یعنی الزامات من چه بوده است. الزامات طرف مقابل چه بوده است. آثار و تبعات و خسارات و مسائل جانبی این بیع محقق شده همه در آن کتاب توسط قاضی یکبار خوانده شده است و من هم که به عنوان وکیل دفاع می‌کنم با این یک جمله آن پیام ۵۰۰ صفحه‌ای را به او می‌رسانم.

وقتی ما مثلاً می‌گوییم نظام حقایق داران، پشت آن کلی مفهوم وجود دارد. یا مثلاً من می‌گویم حق‌النظاره... در قانون توزیع عادلانه آب بجای این کلمه نوشته‌اند عوارض. کلمه عوارض یک اصطلاح حقوقی جا افتاده است اما نه برای مفهوم حق‌النظاره. اگر قرار باشد دوباره قانون بنویسیم باید بنویسیم حق‌النظاره. یا مثلاً اگر قرار باشد آب‌بها بنویسیم باید دقیقاً مفهوم کلمه آب‌بها را باز کنیم. اصلاً آب‌بها چه مفهومی دارد؟ از نظر ادبیات باید روشن کنیم که مخاطبی که فردا می‌خواهد این آب بها را بدهد، وکیل او نیاید فردا یک ملاحظاتی، یک جنبه‌هایی را باز کند که این آب‌بها نیست، این حقایق یا چیز دیگری است.

اگر بخواهیم مسائل خودمان را در قانون جدید ببینیم، اول باید بباییم با همدیگر به یک وفاقی برسیم. ما (دولت) و مجلس باید هم‌کلام بشویم. ببینیم مسائل ما در حال حاضر چه چیزی است. چند مسئله حل نشده‌ی روی میز داریم، چند مسئله هم در آینده داریم؟ چه نیازهایی در آینده داریم؟

ما که فقط برای امروز قانون نمی‌نویسیم. قانون را برای تا ۵۰ سال آینده باید بنویسیم. اگر شما دو قانون توزیع عادلانه آب و قانون سال ۱۳۴۷ را با هم مقایسه کنید، خیلی همپوشانی دارند. قانون را ما باید برای آینده بنویسیم. رویکرد ما باید مشخص بشود. ما سدسازی یا حافظ منابع آب؟ می‌خواهیم به توسعه بپردازیم یا به بحث‌های حفاظت و بهره‌برداری بیشتر توجه داریم؟ آیا می‌خواهیم به نظام مشارکتی بپردازیم؟ آیا می‌خواهیم به نظام سرمایه‌گذاری آب بپردازیم؟ آیا آب اقتصادی بشود؟ مسائل نو ظهور را باید دید. تجربه‌های جهانی را باید دید. کالابودن، اقتصادی‌بودن، حیاتی‌بودن آب و قیمت تمام‌شده آب، بازارهای محلی آب، خصوصی‌گرایی نه خصوصی‌سازی در آب را باید بحث کرد و خلاصه همه این مسائل آن باید از دید فنی مشخص گردد و سپس با یک ادبیات حقوقی در اختیار قانون‌گذار قرار دهیم.

نکته دیگری که باید عرض کنم این است که الان ما قانون را برای چه کسی می‌نویسیم؟ برای صنعتگر، آیا نظر صنعت‌گر را درباره آب پرسیده‌ایم؟ قانون می‌نویسیم برای کشاورز، آیا از کشاورز دعوت کرده‌ایم که ببینیم از نظر آنها چه نوع بحث‌هایی وجود دارد؟

باید نظر ذیمدخلان و ذینفعان را بگیریم. من اگر بنشینم در این اتاق قانون بنویسم کارم درست نیست. باید تمام افرادی که نسبت به این ثروت ذیمدخل هستند بیایند اظهار نظر بکنند. بعد وفاقی هم اتفاق بیافتد. همه باید بگویم کشور ما کشور دچار خشکسالی است و آب کم دارد. یک کشوری است که دوره‌های خشکسالی آن بیشتر از ترسالی آن است. با این نگاه باید قانون نوشته شود، با نگاه حفاظت از منابع آب، با نگاه پاسداشت آب، پاسداری از آب. نه اینکه فکر کنیم آب هست و ما فقط لازم است از آن خوب استفاده کنیم... نه من می‌گویم که چون ما آب نداریم باید قانون محدودکننده بنویسیم نه قانون باز، حتی من اعتقاد دارم که باید قوانین آب ما برای استان‌های پرآب و کم‌آب مختلف باشد. نوعی فدرالیزه کردن قوانین آب باید بر رویکرد ما حاکم باشد. مثلاً شما نمی‌توانید همان حکمی را که در مناطق شمالی اعمال می‌کنید، در استان‌های گرم و خشک مثل کرمان اعمال کنید. لذا همیشه وجود یک قانون سراسری و ملی نمی‌تواند مشکلات ما را حل کند. امیدوارم که نتیجه این تلاش‌ها به تصویب یک قانون خوب منتهی شود.

با سپاس از همراهی شما



حمید فیضی

دبیر کل انجمن پسته ایران

از نگاه یک آگاه بخش خصوصی

نقدهای دردمندان بر قوانین آب کشور

آنچه در این نوشتار آمده، قسمتی منتخب از مصاحبه آقای حمید فیضی، دبیر کل انجمن پسته ایران، با آقای مهدی آگاه، یک فعال بخش خصوصی، با محوریت بررسی تاریخچه بازار پسته ایران در اروپا بوده که متن کامل این مصاحبه در شماره ۹۸ ماهنامه داخلی آن انجمن، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۹۳، منتشر شده است. در جریان این مصاحبه، آقای آگاه در تحلیل مسائل گریزی به حوزه قوانین آب در کشور می‌زند و مباحثی را مطرح می‌کند که بسیار ارزشمند است. از این جهت فصلنامه گفت و گوی آب در این شماره خود که بر محور مسائل حقوقی و قانونی آب تمرکز دارد تصمیم گرفت که گزیده‌ای از این مصاحبه را با کسب اجازه از آن انجمن و با تلخیصی مختصر بازنشر کند.

ایشان معتقدند که بی‌توجهی به حفظ سرمایه یکی از مشکلات جدی ایران است. برای اینکه شما بتوانید بگویید که مثلاً در ده سال گذشته پسرفت نکرده‌اید باید حداقل دارایی اولیه شما موجود باشد. اگر اضافه کرده بودید یعنی پیشرفت اقتصادی کرده‌اید. اگر تغییری نکرده باشد یعنی حفظ مال کرده‌اید. اما اگر قسمتی از این مال خرج شده باشد ورشکسته به حساب می‌آید. حال اگر در تمام صنایع ایران چنین اتفاقی افتاده باشد، تمام ایران ورشکسته است. البته این ورشکستگی را می‌توانید مدت‌ها با استفاده از منابع زیرزمینی و روزمینی فرانسلی پنهان کنید. البته این گونه دارایی‌ها برای این نیست که هر کس زودتر از خواب بیدار شود بگوید من مصرفش می‌کنم. اما امروز داریم با تلفی دارایی‌هایمان به عنوان درآمد، بنیاد تمدن را در این سرزمین ویران می‌کنیم. برای کارهایی که باید از محل درآمد خرج شود از سرمایه‌هایمان خرج می‌کنیم.

یکی از سرمایه‌های بزرگ این مملکت که عمدتاً در مناطق کویری است ذخایر آبی است که در سفره‌های آبی نسبتاً بزرگ جمع شده و طی هزاران سال اندوخته شده بود. سالانه مقداری آب به این سفره‌ها وارد می‌شد و مساوی مقداری که وارد می‌شد از طریق سیستم قنات‌ها (که از سطح سفره استفاده می‌کرد) خارج می‌شده است. در واقع اضافی ورودی به مصرف کشاورزی می‌رسید و در نتیجه، سفره پا برجا می‌ماند و می‌توانست در شرایط اضطراری برای مدتی کوتاه برای رفع خطر ملی مصرف شود. طی حدود سه هزار سال گذشته در بیشتر دشت‌های ما قنات‌ها این تعادل شکننده را به نحو احسن برقرار کرده‌اند.

جمع شده و طی هزاران سال اندوخته شده بود. سالانه مقداری آب به این سفره‌ها وارد می‌شد و مساوی مقداری که وارد می‌شد از طریق سیستم قنات‌ها (که از سطح سفره استفاده می‌کرد) خارج می‌شده است. در واقع اضافی ورودی به سفره آب زیرزمینی با کمک قنات به مصرف کشاورزی می‌رسید و در نتیجه، سفره پا برجا می‌ماند و می‌توانست در شرایط اضطراری برای مدتی کوتاه برای رفع خطر ملی مصرف شود. طی حدود سه هزار سال گذشته در بیشتر دشت‌های ما قنات‌ها این تعادل شکننده را به نحو احسن برقرار کرده‌اند.

اگر این دیدگاه بر ایران حاکم بود امکان نداشت سه هزار سال فرهنگ در این سرزمین دوام بیاورد. فرهنگ ایران ۴۰۰ سال زیر حکومت خلفا بوده، چند صد سال زیر حکومت مغول و بازماندگان مغول بوده، ۲۰۰ سال زیر حکومت یونان بوده و دوباره در همان محل جغرافیایی سر بر آورده است. اما امروز داریم با تلفی دارایی‌هایمان به عنوان درآمد، بنیاد تمدن را در این سرزمین ویران می‌کنیم. برای کارهایی که باید از محل درآمد خرج شود از سرمایه‌هایمان خرج می‌کنیم. یکی از سرمایه‌های بزرگ این مملکت که عمدتاً در مناطق کویری است ذخایر آبی است که در سفره‌های آبی نسبتاً بزرگ

برهم خوردن تعادل سفره‌های آب زیرزمینی موثر یکی از مسائل چالش برانگیز و بحرانی، به خصوص در مناطق کویری ایران است، به نظر شما چه عواملی باعث برهم خوردن این تعادل شده است؟

تکنولوژی حفر چاه‌های عمیق نفت وارد ایران شد. این تکنولوژی برای بخش کشاورزی گران بود و در ابتدا خیلی از آن استقبال نشد. در واقع ورود این دستگاه‌ها به بخش کشاورزی ابتدا خیلی تدریجی انجام شد.

فکر نمی‌کنید مساله فرهنگی است و در طی قرون و اعصار مصرف‌گرایی نهادینه شده است؟

« چه شد که این تعادل به هم خورد؟

تکنولوژی حفر چاه‌های عمیق نفت وارد ایران شد. این تکنولوژی برای بخش کشاورزی گران بود و در ابتدا خیلی از آن استقبال نشد. در واقع ورود این دستگاه‌ها به بخش کشاورزی ابتدا خیلی تدریجی انجام شد. چون هزینه فوری حفر چاه با این دستگاه‌ها بیشتر از هزینه نگهداری قنات‌ها بود. بنابراین صاحب قنات ترجیح می‌داد به جای آنکه چاه حفر کند قناتش را نگه دارد. این تا زمانی بود که نفت را ملی نکرده بودیم. به مجرد آنکه این ثروت را در دست گرفتیم، به این فکر افتادیم که چگونه مقدار بیشتری از این ثروت را از زیرزمین درآورده و به دلار در بانک تبدیلی کنیم. اینکه دلار در بانک امنیت ملی بیشتری دارد تا آن ثروتی که ۷۰ میلیون ایرانی رویش نشسته‌اند، کاملاً قابل بحث است.

ارائه انرژی ارزان و با سوبسید بالا و هزینه کردن دلارهای نفتی در توسعه طرح‌های تامین منابع آب از طریق برداشت از منابع آب زیرزمینی، ابزار تخریب منابع آب زیرزمینی را فراهم آورد. به عنوان مثال رفسنجان منطقه‌ای بسیار حاصل‌خیز بوده و کشاورزان با تجربه و فهمیده‌ای داشته که اقتصاد و تجارت بین‌المللی را می‌فهمیدند. در این منطقه در مقابل سیصد قنات که موجود بوده در مدت ۱۵ تا ۲۰ سال یعنی از سال ۱۳۳۵ که اولین دستگاه حفاری عمیق وارد کرمان شد تا ۲۰ سال بعد، چیزی حدود ۱۰۰ چاه یا کمتر یا بیشتر به قنات اضافه می‌شود. این تا زمانی بود که هنوز نتوانسته بودیم ثروت نفت را تبدیل کنیم به محلی برای هزینه، یا دولت‌هایمان صلاح نمی‌دانستند که ثروت را هزینه کنند. اما از زمانی که ثروت را هزینه کردند تخریب منابع آبی سرعت گرفت و در مدت نه چندان درازی هزار حلقه چاه جدید در همان جلگه حفر گردید.

در واقع از طریق فروش نفت و تزریق دلار حاصل از آن به نرخ ارزان در بازار، قیمت دستگاه را پایین آوردیم و هزینه سرمایه‌ای احداث چاه عمیق را پایین آوردیم. پس آمدیم از محل ثروت نفتی هزینه احداث چاه را ارزان کردیم. هزینه احداث و لوله‌گذاری چاه را پایین آوردیم چون آهنگش باید با ارز ارزان از خارج می‌آمد.

« و راه دوم؟

از حدود سال ۱۳۵۲ به بعد تورم دورقمی ایجاد شد این در حالی بود که ۱۵ سال قبل از آن تورم سالانه اغلب زیر ۲ درصد بود. اما از سال ۱۳۵۲ تاکنون چون نرخ ارز به اندازه

تورم رشد نمی‌کند، در واقع این تورم باعث ارزان شدن نسبی کالا و دستگاه‌های وارداتی نسبت به کالاها و دستگاه‌های وطنی گردید. همین تورم دورقمی و ثابت نگه داشتن قیمت سوخت، روز به روز قیمت سوخت چه نفت، چه گازوئیل، چه گاز طبیعی و هر سوخت دیگری را ارزان جلوه می‌داد. عملاً دولت هزینه آب کشیدن از چاه را هم از دوش ما برداشت. در واقع از سال ۴۶ یا ۴۷ ماشین‌آلات و لوله ارزان تر داشتیم و از سال ۵۲ هم یارانه ارزی و یارانه انرژی داشتیم. پس احداث چاه ارزان شد و سوبسید دولتی به هزینه برداشت آب از چاه تعلق گرفت.

بدتر از همه تاثیر این عوامل بر قانونی بود که جلوی حفر چاه را می‌گرفت. قانون سال ۴۷ برداشت از سفره‌های دارای بیلان منفی را ممنوع کرد و پیش بینی کرده بود که اگر کسی برداشت کند مجازات شود. یک بخش از این جریمه که نقدی و به تومان بود روز به روز بی ارزش تر می‌شد و انگیزه اقتصادی برای زدن چاه بیشتر. در زمان تدوین این قانون ایران ۱۵ سال دوره ی غیرتورمی را تجربه کرده بود و در ذهن کسانی که این قانون را نوشتند و تصویب کردند نمی‌گنجید که چند سال بعد از تصویب این قانون، کشور با تورم دورقمی، ثبات نرخ ارز و ثبات قیمت انرژی روبه رو شود. این نابسامانی در حسابداری ملی انگیزه برای تجاوز به منابع آبی را به قدری پر سود نمود که هر بنیان اخلاقی، عرفی، ملی و مالی را، که می‌توانست سد راه از همگانی گردد را در هم شکست.

« می‌شود بیش‌تر توضیح دهید که منظورتان دقیقاً چیست؟

در زمان شاه مردم می‌رفتند و از طریق رشوه دادن به مأمورین بایگانی آب منطقه‌ای، فرم‌ها و درخواست‌هایی را می‌ساختند و این‌ها را به کمک رشوه در بایگانی اداره آب مستند می‌کردند. به عبارتی برای یک چاه دروغی، سابقه ایجاد می‌کردند.

« می‌خواهید بگویید این تخریب تنها با ایجاد سوابق جعلی اتفاق افتاد؟

نه. از اوایل سال ۵۶ به بعد مردم دیگر به سراغ گرفتن پروانه حفر چاه نرفتند بلکه چاه غیر مجاز می‌زدند. تا قبل از آن حفر چاه غیر مجاز غیر ممکن بود چون نیروهای ژاندارمری رسیدگی و چاه غیر مجاز را پر می‌کردند. اما تقریباً از این تاریخ به بعد جو انقلابی شد. شب‌ها و در تاریکی می‌رفتند چاه می‌زدند و دنبال گرفتن مجوز هم نبودند. از یک زمانی در

بعضی از مناطق مانند رفسنجان، برخی افراد با نفوذ دست به صدور پروانه چاه در مناطق ممنوعه زدند. یعنی خود را وزیر نیرو تصور کردند.

« با چه هدفی؟

در واقع ساده‌ترین کاری که سیاستمدار می‌تواند انجام دهد آن است که به جای اینکه مردم را به سمت ایجاد درآمد حلال هدایت کند، همگی حامیان خود را در برداشت و تخریب منابع ملی - هر چند زودگذر - شریک سازد.

برخی چندان متوجه اختلاف بین ثروت و درآمد نبودند و وقتی می‌گفتند که این کار منابع آب را تخریب می‌کند منجر به صدها سال بیچارگی نسل‌های متوالی می‌شود، جواب می‌شنیدید که مگر امید به برکت پروردگار نداری! به جای اینکه با توکل زانوی اشتر را ببندند، فقط توکل کردند و زانوی اشتر را نبستند و این خیلی آسان بود و فکر نمی‌خواست. در واقع به آن بخش از سخنان حضرت رسول و آیات قرآنی که می‌گوید: خداوند سرنوشت شما را عوض نمی‌کند جز به دست خود شما، بی‌توجه بودند.

« پس ما با سه روش تخریب مواجه بودیم، یک روش تقلب در سابقه‌سازی بود، یک روش حفر چاه غیر مجاز و روش دیگر این بود که در منطقه ممنوعه پروانه چاه مجاز می‌گرفتند و چاه می‌زدند؟

بله. در دوره‌های متفاوت، روش‌های متفاوتی بوده‌است. روش سوم مورد اشاره شما در دوره‌ای ای است که قانونی وضع شد که فقط اسمش قانون بود. در واقع فسادی را که قبلاً با رشوه و یا تجاوز به حقوق دیگران توأم بود، لباس قانون پوشاندند. براساس آن به اصطلاح قانون، تخلفاتی که در گذشته حادث شده بود را بخشیدیم و آینده را هم ناپایدار کردیم. به این نمی‌توانیم بگوییم قانون، ولی متأسفانه تیتراژ آن "قانون توزیع عادلانه آب" است.

« اشاره شما به قانون چه سالی است؟ به قانون سال ۶۲ است. در این قانون به هیچ‌وجه هیچ جنبه قانونی نمی‌بینید.

« دقیقاً این قانون چه گفته است؟

قانون سال ۴۷ یکی از بهترین قوانینی است که ما داشتیم. منهای اینکه افرادی که آن را نوشتند فکر نمی‌کردند بعداً ما آدم‌های پستی خواهیم شد. این افراد با این درک که هنوز نه نرخ ارز قلابی داشتیم و نه نرخ سوخت

«می‌گویند باید آب شرب شهر کرمان را تامین کنند؟»

اما پیامد کاری که کردند آن است که قرار است هفتاد قنات و چاه مجاز خشک شود. در کرمان یک میلیون نفر دعاگو دارند. اسلام اینگونه نبوده، عرف قضایی ایران هم اینگونه نبوده است که تعداد حقانیت، بیاورد.

معروف است که ملانصرالدین گوسفندی را دزدید، کسی به او رسید و گفت تو ملایی و گوسفند می‌دزدی؟ گفت از محاسن آن مپرس! من خواندم که بخشیدن گوشت به مردم بینو چقدر صواب دارد. گوشت این گوسفند را بین چهل نفر تقسیم کردم و در دفتر اعمالم چهل صواب ثبت شد. یک دزدی کردم یک گناه برایم نوشته شده و تازه کله پاجه‌اش هم برای خودم مانده. این منطق شرکت آب و فاضلاب کرمان و وزارت نیروی امروز ماست. می‌گوید من حق دارم بروم بالادست هر سفره آبی یا رودخانه آب بردارم. - آبی که سابقه چند هزار ساله داشته تقسیم نامه داشته و تا قطره آخرش حساب داشته است - در مورد زمین کسی این کار را نمی‌کند. من یک زمین دارم اگر کسی آمد گوشه زمین من یک آلونک ساخت من بلافاصله می‌روم شکایت و تخریب و غیره. ولی در مساله آب شما نشسته‌اید دم گاوخونی و مزرعه‌ای با سابقه هزار ساله یا دو هزار ساله در آنجا دارید، شما اطلاع ندارید که وزارت نیرو در ارتفاعات دارد چه می‌کند؟ می‌گویند صنعت بهتر از کشاورزی است. بله شاید صنعت مقدس باشد. ولی کسی نگفته ما می‌توانیم برای انجام کار مقدس دزدی کنیم! اگر کاری مقدس است متولی خیر بودجه بگذارد و آب را خریداری کند. برای شهر رفسنجان آب آورده‌اند، برای شهر کرمان آب آورده‌اند ولی متأسفانه این برداشت آب به ضرر و زیان دیگری توأم بوده و متضرر تا دیرزمانی از این اضرار بی‌اطلاع نگه داشته شده است.

کسانی هم که می‌خواهند اینک چپاول کنند کافی است دو نفر کارمند وزارت نیرو تأیید کنند که بی‌ضرر است. قانون توزیع عادلانه آب هیچ ماده‌ای ندارد که حتی یکی از اشکالات قانون قبلی را برطرف کرده باشد. نتیجه این قانون نابودی باقی مانده منابع آبی شده است.

«این قانون دادن پروانه را تسهیل کرد. اما باز چاه غیر مجاز حفر شد. تا آنجا که در سال ۸۶ یک قانون جدید آمد که به چاه‌های غیر مجاز پروانه بدهند. فکر می‌کنید چرا؟»

این داستان به یک جنبه‌های دیگری برمی‌گردد. بعد از چاه‌هایی که در جریان انقلاب در این منطقه زده شد، زمانی که قانون توزیع عادلانه آب تصویب شد، در مدت کوتاهی هجمه جدیدی برای حفر چاه غیر مجاز صورت گرفت. چون قانون گفته بود که باید ببایند وجود چاه غیر مجاز را اعلام کنند. لذا در مناطقی که کنترل نبود یا کم بود، بعد از تصویب این قانون تعداد زیادی چاه عجولانه زده شد. به مجرد اینکه بنیه وزارت نیرو تقویت شد اعمال قدرت کرد و جلوی صدور پروانه به چاه‌های غیر مجاز پس از این تاریخ را در منطقه گرفت. تعداد معدودی پروانه بعد از آن صادر شده که با یک محمل‌هایی صادر شده، مثلاً به عنوان دامداری. یک راه در ایران داریم که خیلی ساده قوانین را بشکنیم و آن این که استثنای به ظاهر موجه قائل می‌شویم. در همه زمینه‌ها این استثنائات وجود دارد. در قانون مدنی ایران نیست که شما اگر خواستید آب بنوشید اجازه دارید که بروید آب را بی‌اذن مالکش بردارید و بنوشید. ولی شرکت آب و فاضلاب شهر کرمان دقیقاً همین کار را دارد می‌کند. آب را از بالادست یک سفره آبی که ممنوعه است برمی‌دارد و می‌فروشد و برایش مهم نیست که آن طرف هم قنات و چاه دارد خشک می‌شود.

قلابی داشتیم در قانون پیش‌بینی کردند که اگر متخلفی پیدا شد به این طریق مجازات شود. اما قانون سال ۶۲ می‌گوید که نظر دو کارمند وزارت نیرو که آن‌ها را کارشناس لقب داده‌اند، بر نظر یک مطالعه چند ساله بر روی یک حوضه آبی اولویت دارد. اگر دو کارشناس وزارت نیرو تشخیص دادند که چاهی برای منابع سفره آبی ضرر ندارد، می‌توان در منطقه ممنوعه پروانه صادر کرد!

تعداد چاه‌هایی که امروز با پروانه در منطقه ممنوعه احداث شده بسیار بیشتر از چاه‌هایی است که در زمان ممنوعه شدن وجود داشته است. یعنی در دشت ممنوعه‌ای که با حدود چهارصد قنات و چاه ممنوعه اعلام شده بود، الان چیزی حدود ۱۶۰۰ حلقه چاه پروانه‌دار وجود دارد.

«چرا در منطقه ممنوعه پروانه صادر شد؟»

در مواقع اغلب سیاست‌کاری و باندبازی بود. کسانی پروانه را به صورت دستی صادر کرده بودند و می‌خواستند مورد مجازات قانون قبلی قرار نگیرند. قانون مسوولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ می‌گفت که کارمند خلاف کار باید شخصاً خسارت وارده به اشخاص را بدهد یا روانه زندان شود. قانون "توزیع عادلانه آب" راهی را برای نجات متخلفان فراهم آورد. آقای غفوری‌فرد وزیر نیروی وقت در مجلس می‌گوید که قانون آب سال ۴۷ یک قانون بسیار بد است که در خدمت سرمایه داران و در خدمت اشخاص فاسد بوده و با کمک این قانون عده‌ای سرمایه دار زورگو و فاسد بر منابع آبی کشور مسلط شده‌اند. قانونی که ما می‌خواهیم تصویب شود قانونی است که می‌خواهیم با آن احقاق حق کنیم.

«آیا احقاق حق شد؟»

در واقع هیچ ماده‌ای در این قانون برای رسیدگی به این موضوع نیست! فقط می‌گوید هر کس که در گذشته چپاول کرد کار خوبی کرده. لطفاً

و سخن آخر؟

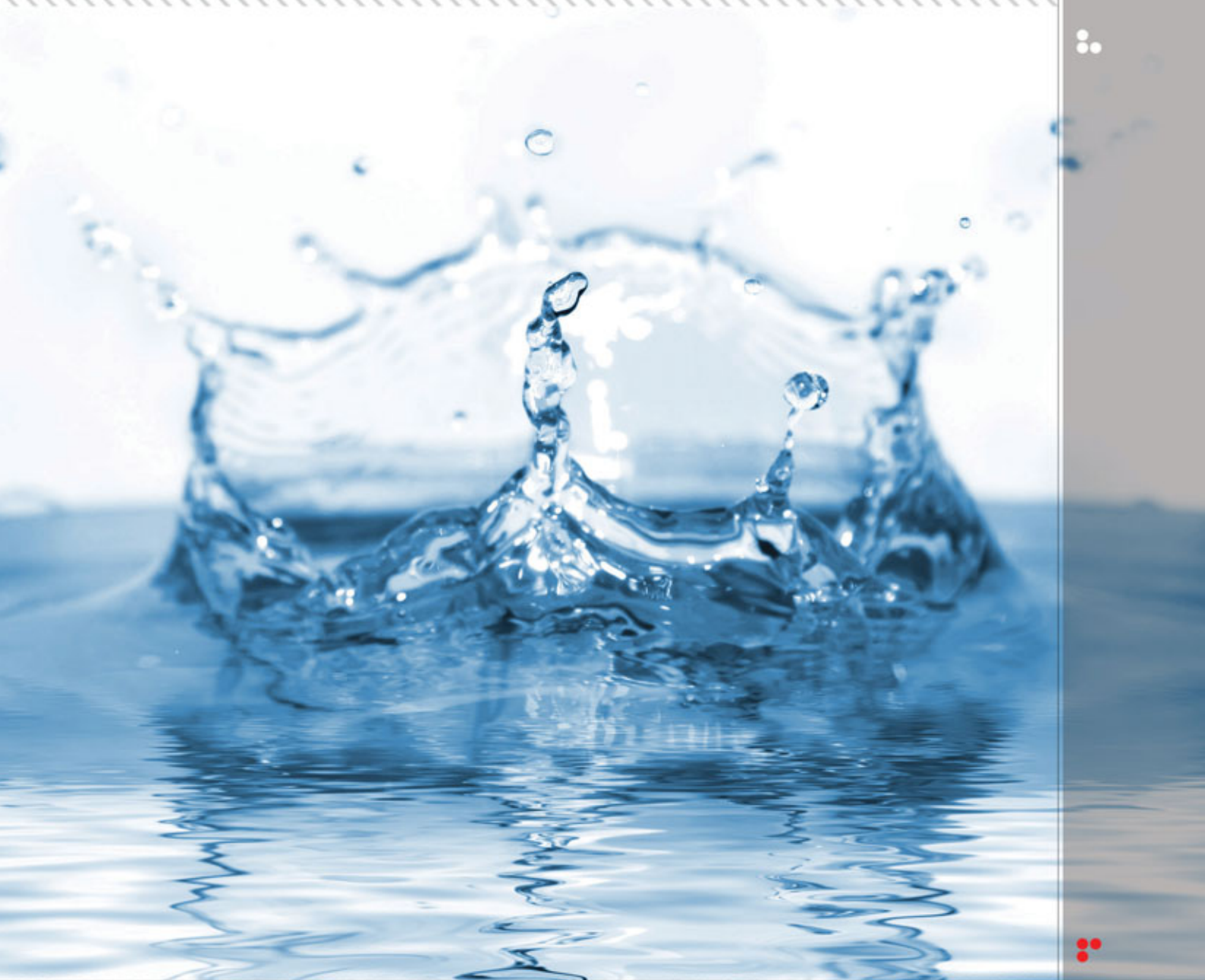
آن چه که در دوران پدر و برادران ما گذشت ایشان می‌توانند به هر گامی که برداشتند افتخار کنند. اما در دوره رواج صادرات پسته، من در یک خیانت بزرگ شرکت کردم، ولی کاری که تا قبل از آن تا دهه پنجاه شده بود از بزرگترین افتخارات ایرانی‌ها است. ایرانی‌ها (و نه فقط مردم کرمان) با یک تولید پایدار با سیستم قنات و با هزینه انرژی کم و اشتغال زیاد، کالایی را تولید می‌کردند که در بازار جهانی با رقابت می‌توانستند آنرا بفروشند. سوبسید هم در کار نبود. نه سوبسید انرژی و نه سوبسید نفت و نه سوبسید ارز. بله آن دوره، دوره خدمت بود.

هر ظلمی که شما نسبت به طبیعت و زیست‌بوم پیرامون خود، روا داشتید، سزای آن را در آینده خود یا فرزندان تان خواهید دید. ما زیستگاه خودمان را یعنی جایی که سه هزار سال تا به حال در آن بوده‌ایم و یک

فرهنگ با دوامی را در آن بوجود آورده‌ایم، به دست خودمان به نابودی کشانیدیم. چطور می‌توانیم بگوییم که خدمت کردیم؟ ۴۰۰ سال حمله مغول نتوانست با قنات جلگه ایران - این مظهر ثروت ملی و پیوستگی فرهنگی تمدن ایرانی - آن کند که ما خود در ۴۰ سال با توجیه "توزیع عادلانه" کردیم.

باز هم عرض می‌کنم همین امروز هم اگر دولت از الگوی کشت، تخصیص و عبارات توده‌ای مشابه دست بردارد و از این تئوری‌ها که موجب گول‌زدن عام و تخصیص منابع به گروه‌های خاص است دست بکشند، به هیچ کالایی سوبسید ندهند و اگر دولت بگذارد که قیمت‌ها را بازار تعیین کند، در آن صورت معلوم خواهد شد که تولید فولاد به صرفه است یا مس یا نساجی؟ تولید گندم به صرفه است یا تولید پسته؟ در آن شرایط تولید کالاهای کشاورزی می‌تواند افتخارآفرین و صادرکننده آن لایق ستایش باشد.

[اندیشکده‌ها و رویدادهای منتخب]





سعید سلیمانیها
پژوهشگر مسائل آب

معرفی شورای جهانی آب

شورای جهانی آب اندیشکده‌ای بین‌المللی (اتاق فکر) است که در سال ۱۹۹۶ به ابتکار متخصصان آب و سازمان‌های بین‌المللی در پاسخ به دغدغه فزاینده جامعه جهانی درباره مسائل آب تأسیس گردید. دفتر مرکزی شورا در شهر مارسی فرانسه قرار دارد. تا این تاریخ تعداد اعضای آن به ۳۲۳ عضو رسیده است. اعضای آن را بخش خصوصی، وزارتخانه‌های دولتی، نهادهای دانشگاهی، نهادهای مالی بین‌المللی، سازمان ملل و دولت‌های محلی تشکیل می‌دهند. شورای جهانی آب می‌کوشد تا با فراهم آوردن فرصت‌های گفت و گو و تبادل تجربیات، به تحقق چشم‌انداز استراتژیک مدیریت منابع و خدمات آب در میان تمام ذینفعان

« مأموریت:

آگاهی‌بخشی، متعهد ساختن سیاست‌مداران، ایجاد انگیزه برای اقدام درباره مسائل حیاتی آب در تمام سطوح، از جمله بالاترین سطح تصمیم‌گیری، در راستای تسهیل حفاظت، حراست، توسعه، برنامه‌ریزی، مدیریت و استفاده کارآمد آب در تمام ابعاد آن، بر پایه اصول پایدار زیست‌محیطی به نفع تمام مظاهر حیات بر روی زمین

« ارزش‌ها

شورای جهانی آب در تحقق اهداف غایی خود به ارزش‌های زیر پایبند و متعهد

است:

شفافیت: این شبکه به روی هر سازمانی که با اهداف و جریان آزاد اطلاعات میان اعضای آن موافق باشد باز است.
دموکراسی: این شبکه بر پایه اصول دموکراتیک بنیان‌گذاری شده است، هر عضو آن یک رأی دارد، عقاید تمام اعضای آن آزادانه در شبکه عرضه می‌شود.
احترام: بحث و گفت و گو در فضای احترام برگزار می‌شود، صحبت هر فرد شنیده می‌شود و در عین حال انتظار می‌رود به صحبت دیگران گوش داده شود.

استقلال: در طرح مسائل مرتبط با

آب هیچ ملاحظه خاصی دخالت داده نمی‌شود.
مشارکت: مسائل پیچیده‌ای مانند مسائل آب فقط با مشارکت تمام ذینفعان در بحث‌ها قابل حل است.

« استراتژی

اولویت‌های شورای جهانی آب تا سال ۲۰۱۵ معطوف به گرد هم آوردن افراد از طریق دیپلماسی فعال آب، شناسایی ایده‌ها و مفاهیم جدید، بحث درباره مسائل و تشویق به تبادل تجربیات و شبکه‌سازی است. فعالیت‌های تدارک دیده‌شده در چهار زمینه تعریف شده‌اند:

با سیاستمداران و رهبران کشورهای مختلف جهان قرار می‌دهد.

«ساختار حکمرانی شورا»

شورای جهانی آب از پنج مجمع و مجموعاً ۳۵ نفر تشکیل می‌شود که شورای حکام شورا نامیده می‌شوند. ترکیب مجامع به گونه‌ای است که حکمرانی متوازن و نماینده تمام ذینفعان را به نمایش می‌گذارد. مجامع تشکیل‌دهنده شورای حکام عبارتند از:

- نهادهای بین‌دولتی
- دولت‌ها و مراجع دولتی
- سازمان‌ها و تشکلهای مدنی و مصرف‌کنندگان آب
- انجمن‌های حرفه‌ای و نهادهای دانشگاهی

در ششمین مجمع عمومی شورا، اعضای جدید شورای حکام توافق کردند تا در دوره ۲۰۱۵-۲۰۱۲ سه عضو از کمیته جوانان شورا به عنوان ناظر حضور پیدا کنند. هدف اصلی کمیته جوانان، گسترش مشارکت سازمان‌های جوانان در چاره‌جویی و ارائه راه‌حل‌ها برای دسترسی همگانی به آب و خدمات آبی است.

نمایندگان جوانان به شورای حکام درباره اموری که جوانان ممکن است بیشترین تأثیر را داشته باشند، و مشارکت بیشتر در فرایندهای تصمیم‌سازی ملی و جهانی توصیه می‌کنند.

«منابع مالی»

نیازهای مالی شورای جهانی آب عمدتاً از طریق حق عضویت تأمین می‌گردد. علاوه بر این از کمک‌های کشور میزبان بهره‌مند است. پروژه‌ها و برنامه‌های خاص از طریق کمک‌های اهدایی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، و سازمان‌های غیر دولتی فراهم می‌شود.

- آب در دستور کار سیاسی
- شناسایی مسائل امنیت آبی
- سازماندهی اجلاس جهانی آب
- تقویت شورای جهانی آب

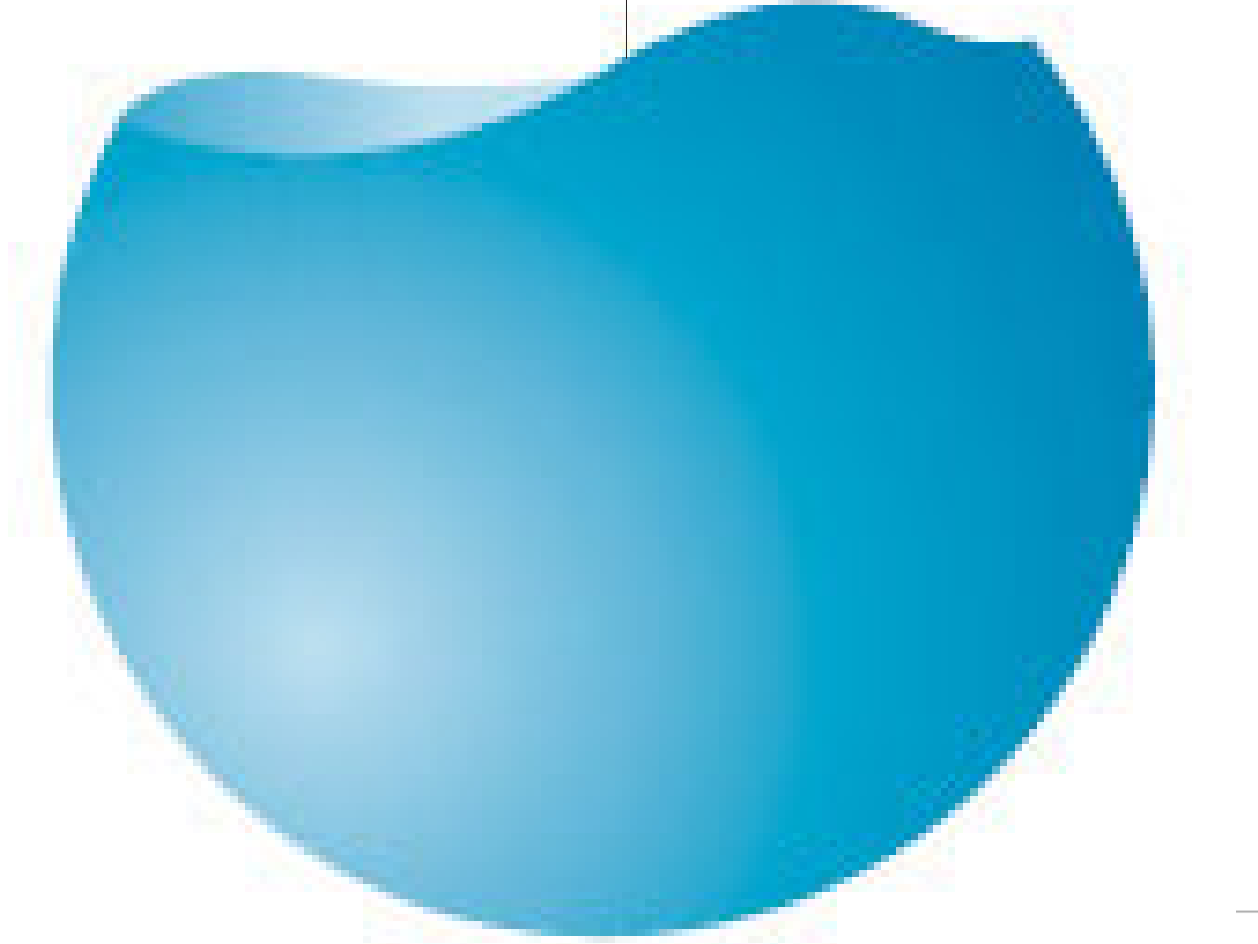
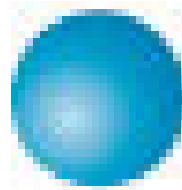
اصول کاری شورا به قرار زیر است:

- فعالیت‌های شورا محدود به مسائل سیاستی است و مسائل دیگر را تنها در صورتی که ماهیت بینابینی داشته یا بحث‌انگیز باشند مورد توجه قرار می‌دهد.
- این شورا نقش تسهیل‌گر را برای طرح‌های بینابینی ایفا می‌کند و در کارهایی وارد نمی‌شود که اعضای آن قادر به انجام آن هستند.
- شورا با اعضای خود برای شناسایی پیامدهای سیاست‌های اعضا در کارهای خود همکاری می‌کند.
- کلیه فعالیت‌های شورا تحت نظارت شورای حکام قرار دارد.

«اجلاس جهانی آب»

شورای جهانی آب در هر سه سال «اجلاس جهانی آب» را با همکاری کشور میزبان برگزار می‌کند. این اجلاس بزرگترین رویداد بین‌المللی در زمینه آب به شمار می‌آید. ششمین اجلاس جهانی آب در سال ۲۰۱۲ در مارس در کشور فرانسه برگزار گردید. در این اجلاس بیش از ۲۰۰۰ نفر از ۲۰۰ کشور شرکت داشتند.

اجلاس جهانی آب با گرد هم آوردن تصمیم‌گیران در زمینه آب و ارتقای آگاهی نسبت به چالش‌های آب، فرصت منحصر به فردی را برای گفت و گو و بحث فراهم می‌آورد. در این اجلاس، جامعه آب را در ارتباط نزدیک





محمد ارشدی

کارشناس اندیشکده تدبیر آب ایران

چهارمین شب آب خراسان: مالکیت آب، به کام کی؟

بررسی مسائل و مشکلات نظام تخصیص و مالکیت منابع آب

تا قبل از استخراج بی‌شک جزء انفال یا مباحات هستند. پس از حفر چاه یا قنات یا ایجاد نهر، در اینکه آیا این آب‌ها به مالکیت در می‌آیند یا تنها اولویت تصرف ایجاد می‌شود بین فقیهان اختلاف است. شیخ طوسی در این باره معتقد است اینگونه آب‌ها نیز به تملک در نمی‌آید.

ایشان در پایان در مورد بهره‌برداری از منابع آب بیان کردند که از نظر فقهی چند اصل مهم در این خصوص وجود دارد؛

۱. آب‌ها امانت‌اند و مال تمام نسل بشریت و فرزندان آینده بوده و دست مردم امانت است و از آن خداست.

۲. هر نوع حیات و مصرف آب باید در چهارچوب ضوابط عدالت، مصلحت، لاضرر و توازن طبیعت باشد و باید حق هر کسی به خودش داده شود.

۳. استفاده بهینه از آب، میانه‌روی در مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر که در بحث مصرف نیز چهارچوب‌های مشخصی داریم.

در ادامه دکتر غلامرضا مدنیان، مدیرکل دفتر حقوقی شرکت مدیریت منابع آب ایران به بیان مطالبی پیرامون جنبه‌های حقوقی و قانونی مالکیت آب پرداختند و بیان کردند که تغییر رویکرد قانون، گذار از حقوق خصوصی به حقوق عمومی و ملی شدن آب از سال ۱۳۴۷ عامل اتفاقات حوزه آب بوده و با وجود تصویب قانون توزیع عادلانه آب از سال ۶۱ همچنان این تلقی وجود دارد که آب یک مال بدون صاحب است.

پس این دو سخنرانی، نشست با هم‌اندیشی و بحث و تبادل نظر نسبت به محور نشست به کار خود ادامه داد. در نهایت از مدیر مسئول روزنامه خراسان به عنوان ناچی منتخب این فصل تقدیر و تشکر شد.

در مالکیت حکومت اسلامی است و انفال جز بیت المال نیست و با به دست آوردن (حیازت) نیز به ملکیت شخص در نمی‌آید و تنها حق اولویت پیدا می‌کند و آنچه که به دست آمده قابل فروش نیست مگر حق اولویت و اوصافی که در آن به وجود آمده است. اما اگر منابع آبی از مباحات عامه و مشترکات باشد با به دست آوردن (حیازت)، مالکیت حاصل می‌گردد و آنچه به دست آمده قابل فروش است.

انفال ملک دولت بوده و دولت نیز مانند هر شخص حقوقی دیگری برای انجام وظایفی که بر عهده دارد می‌تواند مالک شود. اما مباحات عامه که در قانون مدنی آنها را به عنوان اموالی که مالک خاصی ندارند، در مواد ۲۳ تا ۴۸ ذکر کرده است، ملک دولت نیست و اختیارات او محدود به اداره می‌شود و دولت تنها عهده‌دار اداره مباحات و مشترکات عامه است. دولت مدیر است و اختیارات او محدود به اداره می‌باشد. برخلاف اختیاراتش در اموال دولتی که تصرف مالکانه است.

رودخانه‌ها و چشمه‌ها؛

فقیهان رودخانه‌ها، چشمه‌ها، نهرها و چشمه‌هایی را که روی زمین جاری هستند را از مشترکات برشمرده و تمام انسانها در بهره‌برداری از آنها را مساوی دانسته است. در حدیثی امام موسی کاظم (ع) مردم را در سه چیز مشترک می‌داند؛ آب، آتش و چراگاه.

آب‌های زیرزمینی؛

مسائل حقوقی و مباحث مالکیت در موضوع منابع آب زیرزمینی یکی چالش‌برانگیزترین و پیچیده‌ترین مباحث حقوقی آب است. آب‌هایی که در سفره‌های زیرزمین هستند

به دنبال برگزاری سه نشست، به ترتیب با موضوعات توسعه منطقه‌ای و امنیت آبی، توسعه یا سراب و فاضلاب و پساب متن و حاشیه‌ها، چهارمین نشست شب آب خراسان ۱۳۹۲ با حضور مدعوین دانشگاهی، دستگاه‌های اجرایی و کشاورزان استان خراسان رضوی با محوریت مالکیت آب در تاریخ ۱۴ اسفند برگزار شد. این سلسله نشست‌ها محفلی است غیررسمی به منظور ایجاد درک مشترک از ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اداری استان (اعم از دولتی/عمومی/خصوصی) در بین گروداران و برقراری گفت و گو میان آنها به منظور شناسایی راه‌های برون رفت از بحران آب و حل مسایل پیچیده و بحث انگیز در مدیریت آب. چهارمین شب آب خراسان، متناسب با محور این نشست که مالکیت آب بود، با صحبت‌های حجت‌الاسلام والمسلمین یعقوبعلی برجی، مدیر علمی و مجری دانشنامه اسلامی تخصصی کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست، پیرامون مباحث مالکیت آب از نظر فقه اسلامی شروع شد. ایشان بیان کردند که سوالاتی که در فقه پاسخ داده شده است یکی بحث مالکیت آب است که آیا منابع آبی از انفال هستند یا مشترکات؟! و اینکه وظیفه ما بر پایه ضوابط فقهی در حفاظت از انواع آب‌ها چیست؟! از نگاه فقه به طور کلی آب‌ها از حیث قابلیت تملک و عدم تملک به دو قسم‌اند. قسمی از آنها که قابل تملک نبوده و از مباحات عامه‌اند و قسمی دیگر قابل تملک هستند. در آب‌ها از لحاظ نوع آن آب‌ها در تملکشان اختلاف نظر است. انواع منابع آبی شامل:

آب‌های دریاها و اقیانوس‌ها؛

در مورد این منابع آبی در میان فقها دو نظر است. اگر این آب‌ها جزو انفال باشد



اقدامات اندیشکده

اندیشکده تدبیر آب ایران در مسیر آگاه‌سازی و هوشیارسازی عمومی و تصمیم‌گیرندگان که آن را مأموریت خود می‌داند در سه حوزه ظرفیت‌سازی، اطلاعات و ارتباطات و سیاست‌پژوهی فعالیت‌های خود را در سال دوم ساماندهی و انجام داد. این فعالیت‌ها در راستای تکمیل و گسترش فعالیت‌های سال اول بوده که در ادامه خلاصه‌ای از این اقدامات آورده شده است.

«حضور اندیشکده در نشست عمومی شورای هماهنگی تشکلهای مردم‌نهاد شمال»

به دنبال تشخیص و تأکید بر ضرورت همکاری و تعامل نزدیک با تشکلهای غیردولتی در راستای ارتقای آگاهی جوامع محلی و آگاه‌سازی مدیریت آب کشور نسبت به مسائل آبی جوامع محلی، «اندیشکده تدبیر آب ایران»، به منظور شناسایی ظرفیت‌ها و نیازسنجی اولیه و بیان دیدگاه‌ها و پتانسیل‌های خود در نشست عمومی شورای هماهنگی گروه‌های مردم‌نهاد شمال که در اواخر فصل پاییز برگزار شد، حضور پیدا کرد. شورای هماهنگی‌های تشکلهای مردم‌نهاد شمال از ۲۱ تشکل از سه استان گلستان، مازندران و گیلان تشکیل شده است.

نمایندگان اندیشکده تدبیر آب ایران در فرصت اختصاص داده‌شده به بیان گوشه‌ای از چالش‌ها و مسائل آبی کشور پرداختند و سیاست‌ها، مأموریت و اهداف خود را به‌طور خلاصه تشریح کردند. در این جلسه تأکید شد که اندیشکده با مدنظر قراردادن شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و درک ضرورت توانمندسازی و آگاه‌سازی جامعه محلی، آمادگی دارد تا به عنوان مرجع تخصصی و معتبر مسائل آب، تعامل و همکاری نزدیک با شورای هماهنگی گروه‌های مردم‌نهاد شمال داشته باشد.

«جلسه هم‌اندیشی تدقیق چارچوب مفهومی رساله دکترای مهندسی منابع آب ضرورت استفاده از سرمایه فکری و امکانات تحقیقاتی دانشگاه‌ها، به خصوص تحقیقاتی که توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی و در قالب پایان‌نامه‌ها انجام می‌شود، در جهت پاسخ‌گویی به نیاز جامعه اندیشکده را بر آن داشت تا در تعریف صحیح موضوع پایان‌نامه متناسب با نیاز جامعه با دانشگاه‌ها همکاری کند. پس از همفکری‌های صورت گرفته با گروه مهندسی منابع آب دانشگاه تربیت مدرس دو پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد و یک رساله‌ی دکترای تعریف شد.

در همین راستا و به منظور تدقیق چارچوب مفهومی و روش‌شناسی انجام رساله‌ی دکترای مزبور، با همکاری اندیشکده و گروه مهندسی منابع آب دانشگاه تربیت مدرس نشست هم‌اندیشی در ساعت ۱۴ مورخ ۹۲/۱۰/۳۰ برگزار شد. در این نشست ابتدا پیشنهادیه رساله دکترای تشریح شد و سپس حاضرین نظرات خود را بیان کردند و به گفت و گو در مورد روش‌شناسی و چارچوب مفهومی پیشنهادیه نشستند.

«نشست هم‌اندیشی با فعالان رسانه»

اندیشکده تدبیر آب ایران در تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۱۳۹۳ نشست هم‌اندیشی با

فعالان رسانه را درباره مولفه‌ها و عوامل موثر بر دغدغه‌مند کردن مسئله آب در قالب برگزاری رویداد آب برگزار کرد. در این نشست بیان شد که برای اینکه شرایط ذهنی جامعه آماده شود و آب به دغدغه عمومی و مسئله اجتماعی تبدیل شود باید با استفاده از فضای رسانه‌ای، جریان‌سازی اجتماعی در سطوح مختلف عمومی، اجرایی، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اتفاق افتد. اندیشکده به دنبال این است که در قالب برگزاری رویداد ملی آب با انجام یک سری اقدامات رسانه‌ای و تعاملی بسترهای هم‌اندیشی و گفت و گو را برای ایجاد یک باور و عزم ملی در موضوع آب با درک شرایط و ظرفیت‌های موجود فراهم کند.

ایده‌ها و نکات پیشنهادی این نشست ایده‌های راه‌اندازی انجمن هنرمندان آب، تشکیل گروه عکاسان، تشکیل یک تیم خبری رسانه‌ای قوی و راه‌اندازی جنبش آبی و فراگیر کردن آن در کشور، تهیه فیلم مستند، کوتاه یا بلند با داستان مرتبط با آب و برگزاری جشنواره فیلم و فیلم‌نامه‌نویسی آب، برگزاری جشنواره ملی نقاشی کودک و نوجوان و جنگ‌های نقاشی آب در مدارس، استفاده از ظرفیت‌های فضای رسانه ملی و رسانه‌های استانی برای تهیه و اجرای برنامه تلویزیونی با داستان مرتبط با آب و برگزاری تئاتر و نمایش‌های خیابانی با موضوع آب.

این هدف و در راستای شناسایی ظرفیت‌های کشور در این زمینه و تقویت تعامل و همکاری با مجموعه‌های مختلف، در روز سه‌شنبه ۱۳۹۳/۰۳/۲۷ یک جلسه هم‌اندیشی با انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی برگزار کرد. در این جلسه در باره وجود شکاف بین پژوهش و اجرا و بین دولت و بخش خصوصی صحبت شد. همچنین مطرح شد که در زمینه آب کارهای انجام نشده زیادی به لحاظ فرهنگی و ارتباطی وجود دارد که باید انجام شود. طوری که علی‌رغم مشکلات زیادی که در کشور ما در زمینه آب وجود دارد و گوشه‌هایی از پیامدهای آن را می‌بینیم و بسیاری از پیامدهای آن شناخته شده نیست. واقعاً درک ما این است که در کشور هنوز آب مسئله اجتماعی نیست و نشده است. شهرنشینان ما اساساً دید لازم را نسبت به محدودها و کمبودهایی که هست و هزینه‌هایی که می‌شود، ندارند. کشاورزهای ما هم که درگیر مشکلات زیادی مرتبط با آب هستند، ولی بحران را جدی نمی‌بینند. سپس پیشنهاد شد تا برای برگزاری یک همایشی در موضوع آب به منظور شناختن مسائل و کمبودهای موجود در آب برنامه‌ریزی و در این خصوص بحث تخصصی بیشتری شود.

تکمیل مرکز اسناد و بخش‌های

دیگر تارنمای اندیشکده

اندیشکده با توجه به نگرشی که به تارنما به عنوان مجرای اصلی ارتباط با مخاطبان دارد، به طور پیوسته و مستمر در حال تکمیل و غنی‌سازی بخش‌های مختلف آن می‌باشد. از جمله فعالیت‌های انجام‌شده در این خصوص می‌توان به راه‌اندازی بخش از نگاه دغدغه‌مندان، نظرسنجی از مخاطبان، بارگذاری منابع جدید مرتبط در این بخش، و تکمیل همه بخش‌های دیگر اشاره کرد. علاقه‌مندان می‌توانند برای استفاده از مطالب به این تارنما به آدرس WWW.IWPRI.COM مراجعه فرمایند.



در پیش‌روی کشور که تهیه برنامه پنج‌ساله ششم است، در خردادماه اقدام به احیا این سند کرده تا با بازنشر آن کمکی به برنامه‌ریزان در مسیر انجام وظیفه خطیر خود کنند. فایل این سند به پیوست این خبر آمده است.

جلسه هم‌اندیشی با انجمن جامعه‌شناسی ایران

اندیشکده تدبیر آب ایران در راستای توسعه ارتباط خود با نهادهای علمی و پژوهشی کشور به خصوص در حوزه‌های علوم انسانی و وجه غیرتکنوکراتی آب، و به دنبال ضرورت برجسته کردن آب به صورت یک نیاز عمومی، ملی و به عنوان یک مسئله اجتماعی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی، در تاریخ سه‌شنبه ۱۳ خردادماه ۱۳۹۳ جلسه هم‌اندیشی را با انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار کرد. هدف از این جلسه هم‌اندیشی تشریک مساعی، شناسایی ظرفیت‌های بالقوه دو مجموعه و فراهم کردن بسترهای همکاری بود. در این جلسه حاضرین پیرامون موضوعاتی چون نظام بهره‌برداری از آب در کشور، حکمرانی موثر آب و تفاوت آن با مدیریت آب، تعارضات آبی و مسائل و مشکلات پژوهش در کشور بحث شد و فهرستی از عناوین طرح‌های سیاست پژوهی گفتگوی استخراج شد: رهیافت‌های اصلاح نظام حکمرانی آب در سطوح مختلف در کشور آثار و پیامدهای اجتماعی استفاده بی‌رویه آب در آبخوان‌های کشور و رهیافت‌های اجتماعی مدیریت آن‌ها در ایران، تحکیم حقوق مالکیت آب و بهبود نظام بهره‌برداری از آب زیرزمینی و شناسایی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در مدیریت تعارضات آب

جلسه با انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات

برجسته‌کردن رویکردها جدید و تاثیرگذاری بر جامعه نیازمند اتخاذ توجهی ویژه به حوزه فرهنگی و ارتباطات در جهت فراهم‌سازی بستر تغییر و شکل‌گیری جریان عمومی نو و راهگشا است. اندیشکده تدبیر آب ایران با

کارگاه مشورتی «مدیریت جمعی بر منابع آب»

اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی کرمان به همراه اندیشکده تدبیر آب ایران در نشست مشورتی با عنوان «مدیریت جمعی بر منابع آب» در روز ۲۴ اردیبهشت ۹۳ میزبان جمعی از نمایندگان تشکلات، نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط و فعالان اقتصادی بود. این نشست مشترک با هدف تشکیل یک گروه همگرا، هماهنگ، علاقه‌مند و داوطلب با نام «انجمن آب‌بران» در قالب کارگاه آموزشی برگزار شد. این تشکل به منظور جلب مشارکت و همکاری در سطح میانی برای ترویج مدیریت جمعی بر منابع آب و جلب حمایت در سطوح کلان تا خرد اجتماعی راه‌اندازی می‌شود. اندیشکده تدبیر آب ایران نیز در راستای همراهی در ایجاد سرمایه اجتماعی برای حل مسئله آب در شکل‌گیری و راه‌اندازی «انجمن آب بران» با این مجموعه همکاری دارد.

گزارش "استراتژی‌های ملی مدیریت آب کشور"

در شرایط بحرانی آب، کشور در حال آماده شدن برای تهیه برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و اتخاذ سیاست‌های کلان در مسیر پیشرفت کشور است. در تهیه این برنامه برنامه‌ریزان، اقتصاددانان و سیاست‌گذاران می‌بایست نگرش فراهنگی، یکپارچه و آینده‌نگر را مدنظر داشته باشند و در تهیه این برنامه باید به منابع آب نگاهی محوری شود. در این میان، توجه به تحلیل‌ها و اسناد موجود می‌تواند به برنامه‌ریزان کمک زیادی در شناخت روند گذشته و تشخیص ابعاد گسترده مسئله کند. یکی از اسناد با ارزش ملی، سند استراتژی‌های ملی مدیریت آب کشور است که توسط کمیسیون مطالعات استراتژی‌های مدیریت ملی آب تهیه و در نتیجه این مطالعات، راهبردهای توسعه بلند مدت منابع آب کشور تبیین و در سال ۱۳۸۲ به تصویب هیأت وزیران رسید. اندیشکده تدبیر آب ایران نظر به رویداد



